




Industrial Capability and Integration into the Global Economy: A Comparative Assessment of Iran's Performance Relative to Selected Regional Economies

 <https://doi.org/10.22034/bs.2026.2078571.3190>

Parisa Yaghoubi Manzari*, Assistant Professor, Institute for Trade Studies and Research, Tehran, Iran 
Seyed Omid Aghamiri, Research Scholar and University Lecturer 

Accepted: 21 Feb 2026

Revised: 16 Feb 2026

Received: 22 Nov 2025

Manufacturing Value Added / Industrial Upgrading / Global Value Chains / Backward Participation / Forward Participation

In the contemporary era, global production is organized around global value chains (GVCs). This article adopts a comparative-analytical approach to examine the relationship between participation in global value chains and industrial upgrading in four of Iran's neighboring countries, namely Russia, Turkey, Saudi Arabia, and Kazakhstan) during the period 2013–2023. The research proposes a novel contribution by simultaneously examining participation indices (forward and backward linkages) and industrial value added at the four-digit ISIC industry level. The findings reveal distinct patterns of industrial development across countries. Turkey, with a participation index of 0.89, has achieved success without relying on extensive natural resources, through strategic intergration into GVCs and a shift towards higher value-added industries such as apparel and automotive. In contrast, Russia, with an index of 0.68 and a broad industrial base, ranks lower in GVC participation due to its reliance on resource exports. Iran, with an index of 0.52, performs better than Saudi Arabia (0.49) and Kazakhstan (0.48), indicating a relatively diversified structure in its manufacturing sector. However, the gap with Turkey suggests that Iran has not sufficiently capitalized on its comparative advantages.

The Analysis of forward and backward linkages reveals the distinct roles of Turkey (a transformation-oriented economy), Russia (as a final demand market), Saudi Arabia (focused on developing downstream oil sectors), and Kazakhstan (as a primary commodities supplier). The results indicate that possessing natural resources is insufficient for success in industrial upgrading and GVC participation; rather, the formulation of a smart industrial strategy, targeted integration into the global economy, and investment in technology and innovation are key factors in achieving industrial upgrading and creating sustainable, high value-added growth. The article concludes by emphasizing the necessity for Iran to transition from a resource-based economy to a knowledge-based one and offers a set of policy recommendations.


Data Availability

The data used or generated in this research are presented in the text of the article.

Conflicts of Interest

The authors of this paper declare no conflict of interest regarding the authorship or publication of this article.

* Corresponding Author: pyaghobi@gmail.com

 <https://doi.org/10.22034/bs.2026.2078571.3190>


مقاله پژوهشی


توانمندی صنعتی و ادغام در اقتصاد جهانی: واکاوی تطبیقی عملکرد ایران در مقایسه با کشورهای منطقه

پذیرش: ۱۴۰۴ / ۱۲ / ۰۲

بازنگری: ۱۴۰۴ / ۱۱ / ۲۷

دریافت: ۱۴۰۴ / ۰۹ / ۰۱

پریسا یعقوبی منظری^۱ (نویسنده مسئول) 

سید امید آقامیری^۲ 

چکیده

عملکردی بهتر از عربستان (۰.۴۹) و قزاقستان (۰.۴۸) دارد که حاکی از تنوع نسبی در بخش تولیدی است، ولی فاصله با ترکیه نشان می‌دهد که ایران از مزیت‌های نسبی خود بهره‌برداری کافی را انجام نداده است. تحلیل مشارکت پیشینی و پسینی، نقش‌های متفاوت ترکیه (اقتصاد تبدیل‌محور)، روسیه (قطب مصرف)، عربستان (توسعه پایین‌دستی نفت) و قزاقستان (تأمین‌کننده مواد خام) را آشکار می‌سازد. نتایج نشان می‌دهد که برخورداری از منابع طبیعی برای موفقیت در ارتقای صنعتی و مشارکت در زنجیره‌های ارزش جهانی کافی نیست و تدوین استراتژی صنعتی هوشمند، مشارکت هدفمند در اقتصاد جهانی و سرمایه‌گذاری در فناوری و نوآوری، عوامل کلیدی در دستیابی به ارتقای صنعتی و خلق ارزش افزوده بالا و پایدار هستند. مقاله در پایان، گذار ایران از اقتصاد مبتنی بر منابع به اقتصاد دانش‌بنیان و ارائه بسته‌ای از توصیه‌های سیاستی را ضروری می‌داند.

در عصر حاضر، تولید جهانی حول محور زنجیره‌های ارزش جهانی سازماندهی شده است. این مقاله با رویکردی تطبیقی-تحلیلی، رابطه میان مشارکت در زنجیره‌های ارزش جهانی و ارتقای صنعتی را در چهار کشور هم‌جوار ایران (روسیه، ترکیه، عربستان سعودی و قزاقستان) طی دوره ۲۰۱۳-۲۰۲۳ بررسی می‌کند. نوآوری پژوهش، تحلیل هم‌زمان شاخص مشارکت (پیشینی و پسینی) و ارزش افزوده صنعتی در سطح رشته‌فعالیت‌های چهاررقمی آیسیک (ISIC) است. یافته‌ها نشان داد که الگوهای توسعه صنعتی متفاوتی بین کشورها وجود دارد. ترکیه با شاخص مشارکت ۰.۸۹، بدون اتکا به منابع طبیعی گسترده، از طریق مشارکت هوشمند و حرکت به سمت صنایع با ارزش افزوده بالاتر مانند پوشاک و خودرو به موفقیت دست یافته است. در مقابل، روسیه با شاخص ۰.۶۸ و پایگاه صنعتی گسترده، به دلیل وابستگی به صادرات منابع، در مشارکت زنجیره ارزش جهانی در رتبه پایین‌تری قرار دارد. ایران با شاخص ۰.۵۲،

طبقه‌بندی JEL: F11، F14، L60

ارزش افزوده صنایع کارخانه‌ای / ارتقاء صنعتی / زنجیره‌های ارزش جهانی / مشارکت پسینی / مشارکت پیشینی

۱. مقدمه

در عصر جهانی شدن، الگوی تجارت بین‌الملل متحول شده و دیگر تولید یک کالای نهایی تنها به یک کشور محدود نمی‌شود. امروزه، تولید به‌گونه‌ای سازماندهی شده که مراحل مختلف فرآیند ساخت یک محصول نهایی در کشورهای متعدد و بر اساس مزیت نسبی آن‌ها صورت می‌پذیرد. این پدیده، به ظهور زنجیره‌های ارزش جهانی (Global Value Chain: GVCs) منجر شده است؛ شبکه‌ای پیچیده و به هم پیوسته از فعالیت‌ها که طی آن، طراحی، تولید، بازاریابی، توزیع و پشتیبانی از یک کالا یا خدمت در مرزهای ملی مختلف انجام می‌گیرد. با این حال، شواهد نشان می‌دهد که بسیاری از کشورها نتوانسته‌اند از این فرآیند بهره‌برداری مناسب کنند. در نتیجه، این کشورها وابستگی زیادی به محصولات خارجی پیدا کرده‌اند که این امر نه تنها تولید داخلی را تضعیف کرده، بلکه در موارد متعددی به واردات محصولات بی‌کیفیت منجر شده است (پریسا یعقوبی و همکاران (۱۴۰۲، ۱۴۰۱)؛ اونیلی و همکاران (۲۰۲۴)، ویر (۲۰۱۵)). این شرایط باعث کاهش درآمدهای صادراتی و افزایش همزمان هزینه‌های واردات شده که نتیجه آن، اختلال گسترش صنایع داخلی بوده است. با توجه به قیمت‌های نسبتاً بالای واردات و پایین بودن قیمت محصولات صادراتی در بسیاری از این کشورها، کالاهای صادراتی معمولاً در برابر افول شرایط مبادله تجاری آسیب‌پذیر هستند.

مشارکت در این زنجیره‌ها برای کشورهای در حال توسعه، به ویژه اقتصادهای متکی به منابع، هم یک فرصت و هم یک چالش اساسی محسوب می‌شود. از یک سو، این مشارکت می‌تواند دریچه‌ای به روی بازارهای جهانی بگشاید، زمینه‌ساز انتقال فناوری و دانش شود و به ایجاد اشتغال منجر شود. از سوی دیگر، خطر قفل شدن در موقعیت‌های کم‌ارزش زنجیره، مانند تأمین مواد خام یا انجام فعالیت‌های ساده مونتاژ، همواره وجود دارد. مطالعات انجام شده در بستر کشورهای در حال توسعه حاکی از تأثیر مثبت و

معنادار ادغام در زنجیره‌های ارزش جهانی بر بهره‌وری اقتصادی است (یعقوبی و همکاران (۱۴۰۲)، آکینتوند و همکاران (۲۰۲۱)، کهو (۲۰۲۰) و ایجیشار (۲۰۱۹)). در اینجا است که مفهوم ارتقای صنعتی به‌عنوان یک هدف راهبردی مطرح می‌گردد. ارتقای صنعتی به معنای حرکت بنگاه‌ها و کشورها به سمت فعالیت‌های با بهره‌وری و ارزش افزوده بالاتر در درون این زنجیره‌ها است؛ حرکتی از استخراج منابع خام به سمت تولید کالاهای نیمه‌ساخته باکیفیت و در نهایت، دستیابی به توانمندی در طراحی، نوآوری و مدیریت برند (یعقوبی، ۱۴۰۲).

سؤال محوری که این مقاله در پی پاسخگویی به آن است، بررسی رابطه میان مشارکت کشورها در زنجیره‌های ارزش جهانی و میزان موفقیت آن‌ها در دستیابی به ارتقای صنعتی و خلق ارزش افزوده است.

برای پاسخ به این سؤال، چهار کشور روسیه، ترکیه، عربستان سعودی و قزاقستان به‌عنوان نمونه‌های مورد مطالعه انتخاب شده‌اند. معیار اصلی این انتخاب، تنوع در الگوهای توسعه صنعتی و نوع مواجهه با زنجیره‌های ارزش جهانی است. این چهار کشور در طیفی از اقتصادهای منبع‌محور (عربستان سعودی و قزاقستان) تا اقتصادهای حال‌گذار از اتکا به منابع (روسیه) و اقتصادهای صنعتی نوظهور با محوریت تولید و صادرات (ترکیه) قرار می‌گیرند. لذا انتخاب این کشورها، بستر مناسبی فراهم می‌کند تا بتوان تأثیر استراتژی‌های متفاوت را بر موفقیت در ارتقای صنعتی مشخص کرد. افزون بر این، همسایگی این کشورها با ایران و وجود روابط تجاری و ژئوپلیتیک با آن‌ها، امکان استخراج درس‌هایی برای سیاست‌گذاری صنعتی در داخل کشور را فراهم می‌کند. بازه زمانی انتخاب شده نیز از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۳ را شامل می‌شود که دلیل انتخاب آن دسترسی به آخرین داده‌های منتشرشده از سوی سازمان توسعه صنعتی ملل متحد (یونیدو) برای ارزش افزوده صنعتی است که امکان تحلیل تا سال ۲۰۲۳ را میسر می‌سازد.

کشورها در تولید کالاهای نهایی تخصص می‌یابند و مبنای این تخصص، تفاوت در بهره‌وری نیروی کار یا وفور عوامل تولید است. در این دیدگاه سنتی، یک کشور یا کل یک کالا (مانند خودرو) را تولید می‌کند یا آن را وارد می‌نماید. با این حال، از دهه ۱۹۹۰ به تدریج الگوی تجارت جهانی دگرگون شد و پدیده «تکه‌تکه‌شدن تولید» (Fragmentations of Production) ظهور کرد. در این الگوی جدید، فرآیند تولید یک کالا به مراحل متعدد و مستقل تفکیک و هر مرحله در کشوری که دارای مزیت نسبی در انجام آن فعالیت خاص است، مستقر می‌شود. این تحول، گذار از «تجارت کالاهای نهایی» به «تجارت وظایف و فعالیت‌ها» (Trade in Tasks) را رقم زد که خود زمینه‌ساز شکل‌گیری زنجیره‌های ارزش جهانی گردید (یعقوبی، ۱۴۰۲).

حکمرانی در زنجیره ارزش

با پیچیده‌تر شدن شبکه‌های تولید جهانی، این پرسش مطرح شد که هماهنگی میان بازیگران مختلف در طول زنجیره چگونه صورت می‌پذیرد. گریفی (۱۹۹۹)، با معرفی مفهوم «حکمرانی» در زنجیره‌های ارزش، چارچوبی تحلیلی برای فهم روابط قدرت و توزیع ارزش در این شبکه‌ها ارائه داد. از دیدگاه او، شرکت‌های اصلی (Lead Firms) در بالای زنجیره، نه تنها جریان کالا و اطلاعات را هماهنگ می‌کنند، بلکه تعیین می‌کنند که ارزش افزوده چگونه در میان تأمین‌کنندگان، تولیدکنندگان و توزیع‌کنندگان توزیع شود. این رویکرد نشان می‌دهد که صرف حضور در زنجیره ارزش برای موفقیت کافی نیست، بلکه نوع رابطه با شرکت‌های اصلی و موقعیت کشور در ساختار قدرت زنجیره، تعیین‌کننده سهم آن از ارزش افزوده خواهد بود.

منحنی لبخند ارزش: چارچوب اصلی تحلیل ارتقای صنعتی اصلی‌ترین چارچوب نظری این پژوهش برای سنجش ارتقای صنعتی، مفهوم «منحنی لبخند ارزش» است. این مفهوم توزیع نامتوازن ارزش افزوده را در طول زنجیره ارزش

نوآوری این پژوهش نسبت به مطالعات پیشین را از چند جهت می‌توان برشمرد: نخست، بیشتر مطالعات تطبیقی در سطح کلان و با استفاده از شاخص‌های ترکیبی مشارکت در زنجیره ارزش انجام شده‌اند، این پژوهش برای نخستین بار به تحلیل هم‌زمان دو بعد از مشارکت (پیشینی و پسینی) در کنار بررسی ساختار ارزش افزوده در سطح رشته‌فعالیت‌های چهاررقمی آیسیک (ISIC) می‌پردازد. این سطح از تفکیک، امکان شناسایی دقیق‌تر نقاط قوت و ضعف هر کشور در صنایع خاص را فراهم می‌آورد. دوم، تلفیق یافته‌های کمی با چارچوب استراتژی‌های صنعتی رسمی کشورها (مستخرج از اسناد بالادستی) امکان ارزیابی میزان انطباق عملکرد با اهداف کلان را فراهم ساخته و از این رو، یافته‌های پژوهش نه تنها توصیفی، بلکه راه‌گشایی برای سیاست‌گذاری خواهد بود. پس از این مقدمه، بخش دوم به مبانی نظری و پیشینه پژوهش اختصاص دارد. بخش سوم چارچوب تحلیلی و معرفی کشورهای مورد مطالعه را شامل می‌شود. روش‌شناسی پژوهش در بخش چهارم تشریح می‌گردد. بخش پنجم به تحلیل یافته‌ها می‌پردازد و در نهایت در بخش ششم نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی ارائه شده است.

۲. مبانی نظری و سابقه تجربی پژوهش

۲-۱. مبانی نظری

مطالعه زنجیره‌های ارزش جهانی ریشه در تحول نظریه‌های تجارت بین‌الملل دارد و برای فهم جایگاه کشورها در تقسیم‌کار جهانی، نیازمند چارچوبی نظری است که هم به «چرایی» تجارت و هم به «چگونگی» توزیع ارزش در زنجیره تولید بپردازد.

نظریه‌های پایه تجارت بین‌الملل: از مزیت نسبی تا تقسیم‌کار جهانی

نظریه‌های کلاسیک تجارت، به‌ویژه نظریه مزیت نسبی ریکاردو و مدل هکشر-اولین، بر این اصل استوار بودند که

نشان می‌دهد. بر اساس این منحنی، ارزش افزوده در زنجیره ارزش به شکل U (لبخند) توزیع شده است:

مراحل بالادستی: فعالیت‌های مبتنی بر دانش و فناوری مانند تحقیق و توسعه (R&D)، طراحی محصول، فناوری‌های کلیدی و تولید قطعات پیچیده قرار دارند که از بالاترین سهم ارزش افزوده برخوردارند.

مراحل میانی: فعالیت‌های تولیدی و مونتاژ که اغلب کاربر و کم‌فناوری هستند، در این بخش جای می‌گیرند و کمترین سهم ارزش افزوده را به خود اختصاص می‌دهند.

مراحل پایین‌دستی: فعالیت‌های ناملموس و خدماتی مانند برندینگ، بازاریابی، لجستیک پیشرفته و خدمات پس از فروش قرار دارند که از ارزش افزوده بالایی برخوردار می‌باشند. بر این اساس، ارتقای صنعتی (Industrial Upgrading) در چارچوب زنجیره‌های ارزش جهانی به معنای حرکت از فعالیت‌های کم‌ارزش میانی به سمت فعالیت‌های پرارزش دو انتهای منحنی است. همفری و اشمیتز (۲۰۰۲)، چهار نوع ارتقا را در این زمینه شناسایی کرده‌اند: (۱) ارتقای فرآیند (کارآمدتر شدن تولید)، (۲) ارتقای محصول (تولید محصولات پیچیده‌تر)، (۳) ارتقای کارکردی (کسب وظایف جدید با ارزش بالاتر مانند طراحی یا برندینگ)، و (۴) ارتقای بین‌بخشی (ورود به صنایع جدید و پرارزش‌تر) (یعقوبی، ۱۴۰۲). در این پژوهش، موفقیت کشورها در این نوع ارتقاها از طریق تحلیل تغییرات ساختاری در ارزش افزوده رشته فعالیت‌های صنعتی آنها مورد سنجش قرار می‌گیرد.

۲-۲. پیشینه پژوهش

مطالعات تجربی متعددی به بررسی رابطه میان مشارکت در زنجیره‌های ارزش جهانی و ارتقای صنعتی پرداخته‌اند.

یعقوبی و همکاران (۱۴۰۲)، در مطالعه‌ای بر روی کشورهای در حال توسعه نشان دادند که ادغام در زنجیره‌های ارزش جهانی می‌تواند به انتقال فناوری و افزایش بهره‌وری منجر شود.

نجارزاده و همکاران (۱۳۹۹)، در مطالعه خود به اندازه‌گیری شاخص‌های وضعیت اقتصاد ایران در زنجیره‌های ارزش جهانی و مقایسه با کشورهای منتخب پرداختند. آنها با استفاده از جداول داده-ستانده ۱۹۹۰ و ۲۰۱۵ کشورهای منتخب و تحلیل مدل داده-ستانده، نشان دادند مشارکت پسینی اقتصاد ایران در زنجیره‌های ارزش جهانی افزایش یافته اما مشارکت پیشینی آن کم شده و اقتصاد ایران به سمت بالادست زنجیره ارزش حرکت کرده است. ایران برای کسب منفعت از زنجیره‌های ارزش جهانی، مسیر رقابت با اتکاء به وفور عوامل را در بخش‌های آلاینده و انرژی بر نظیر نفت، معدن، پتروشیمی و صنایع فلزی دنبال می‌کند و ظرفیت‌های قابل توجه آن در بخش‌های خدماتی مغفول مانده‌اند.

در مطالعه‌ای با عنوان «ارتقاء قابلیت حکمرانی صنعتی با گونه‌شناسی صنایع ایران در چارچوب ابتکار ایلاف»، فرتوک‌زاده و دره‌شیری (۱۴۰۳)، با به‌کارگیری روش‌شناسی گونه‌شناسی و رویکرد قیاسی-استقرایی، به ارزیابی انتقادی وضعیت صنایع کشور پرداخته و یک طبقه‌بندی یازده‌گانه ارائه کرده‌اند. بر این اساس، صنایع ایران در سه طبقه اصلی صنایع منبع‌پایه، صنایع حمایت‌پایه و صنایع قابلیت‌پایه دسته‌بندی شده‌اند. معیارهای این طبقه‌بندی شامل سهم منابع طبیعی در محصول تولیدی، وابستگی به منابع ارز ارزان و قابلیت خلق ارزش افزوده با استفاده از نیروی کار ماهر و تحصیل‌کرده است. این پژوهش، ضمن استخراج مضمون‌های راهبردی و توصیه‌های کلان حکمرانی متناظر با هر گونه صنعتی، مسیری روشن برای ارتقای قابلیت‌های حکمرانی و نیل به پیشرفت پایدار ارائه می‌دهد.

مطالعه جیانگ و همکاران (۲۰۲۶)، با عنوان «مشارکت در زنجیره ارزش جهانی»، به بررسی عوامل تعیین‌کننده پیوندهای منطقه‌ای در شمال شرق آسیا می‌پردازد. این پژوهش با استفاده از روش‌های داده-ستانده و متغیر ابزاری نشان داد که نیمی از مناطق مورد مطالعه در بازه ۲۰۱۵-۲۰۰۵، از مشارکت پیشین (تأمین‌کننده کالاهای واسطه‌ای)

به مشارکت پسین (استفاده از نهاده‌های وارداتی برای صادرات) تغییر جهت داده‌اند. یافته‌ها حاکی از آن است که سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه برای هر دو نوع مشارکت مهم است. همچنین، دسترسی به بنادر و رشد منطقه‌ای، تعیین‌کننده‌های کلیدی مشارکت پسین هستند، در حالی که ساختار صنعتی و تعرفه‌ها بر مشارکت پیشین اثرگذارند. این مطالعه مناطق را به سه دسته مشتری‌محور، تأمین‌کننده‌محور و در حال گذار طبقه‌بندی و شش راهبرد سیاستی شامل تأکید بر تحقیق و توسعه، زیرساخت، بازسازی صنعتی و اصلاحات متوازن پیشنهاد می‌دهد.

اونیلی و همکاران (۲۰۲۴)، در مطالعه خود با عنوان «به حداکثر رساندن ارزش افزوده صنعتی در آفریقای جنوب صحرا: نقش جهانی‌شدن تجارت و مقررات دولتی» که بر روی ۴۱ کشور آفریقای جنوب صحرا طی دوره ۲۰۲۳-۲۰۰۱ انجام شده، نشان دادند که تراز تجاری و شرایط مبادله تأثیر مثبت و معناداری بر ارزش افزوده صنعتی داشته‌اند، در حالی که کیفیت نظارتی اگرچه اثر مثبت اما کاهنده و نرخ ارزش مؤثر واقعی تأثیر منفی و معناداری بر ارزش افزوده صنعتی داشته است. بر این اساس، کشورهای آفریقای جنوب صحرا باید به‌طور مستمر و مولد صنایع محلی را از طریق واردات کالاهای واسطه‌ای مانند فناوری پیشرفته برای کمک به تولید صنعتی داخلی و افزایش صادرات کالاهای تولیدی محلی به بازارهای خارجی تقویت نمایند.

مطالعه ووری و همکاران (۲۰۲۳)، با استفاده از داده‌های بانک توسعه آسیایی (۲۰۱۹-۲۰۱۰) و روش گشتاورهای تعمیم‌یافته، سرعت همگرایی کشورها در مشارکت زنجیره ارزش جهانی را بررسی کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که اگرچه همگرایی در هر دو نوع مشارکت پیشین و پسین محقق شده، سرعت آن در گروه‌های مختلف کشوری متفاوت بوده است. کشورهای آسه‌آن و دیگر کشورهای در حال توسعه در مشارکت پیشین (تأمین‌کنندگی کالاهای واسطه‌ای) همگرایی سریع‌تری داشته‌اند، در حالی که

کشورهای پیشرفته در مشارکت پسین (استفاده از نهاده‌های وارداتی در صادرات) از سرعت همگرایی بالاتری برخوردار بوده‌اند. همچنین، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تأثیر معناداری بر این مشارکت داشته و همه‌گیری کووید-۱۹ به‌طور میانگین موجب کاهش آن شده است.

آکینتوند و همکاران (۲۰۲۱)، به تأثیر مثبت مشارکت در زنجیره‌های ارزش جهانی بر رشد ارزش افزوده صنعتی در کشورهای آفریقایی اشاره کرده‌اند. با این حال، مطالعاتی همچون ایجیشار (۲۰۱۹)، هشدار می‌دهند که این مشارکت به‌خودی‌خود تضمین‌کننده ارتقای صنعتی نیست و ممکن است کشورها در دام فعالیت‌های کم‌ارزش گرفتار بمانند.

در مورد کشورهای مورد مطالعه این پژوهش، ادبیات موجود حاکی از تجربیات متفاوتی است. ترکیه از طریق سیاست‌های فعال صنعتی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی، موفق به ارتقای موقعیت خود در زنجیره‌های ارزش به‌ویژه در صنایع نساجی و خودرو شده است (رضایی و یعقوبی، ۱۳۹۹). عربستان سعودی و روسیه عمدتاً در موقعیت بالادستی زنجیره قرار دارند و صادرات آن‌ها بر محصولات انرژی متمرکز است (یعقوبی، ۱۴۰۱). قزاقستان نیز اگرچه در سال‌های اخیر مشارکت خود در زنجیره‌های ارزش را افزایش داده، اما هنوز در مراحل اولیه ادغام قرار دارد. این پژوهش در ادامه، با بهره‌گیری از چارچوب نظری ارائه شده، به تحلیل مقایسه‌ای این کشورها خواهد پرداخت.

۳. چارچوب تحلیلی

برای فهم بهتر عملکرد کشورها در زنجیره‌های ارزش جهانی، استراتژی‌های صنعتی آن‌ها مورد بررسی قرار گرفت. این استراتژی‌ها به‌عنوان نقشه راه، مسیر حرکت کشورها را در اقتصاد جهانی تعیین کرده و چارچوبی برای تفسیر داده‌های کمی فراهم می‌کند. هر یک از کشورهای مورد مطالعه، با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک، وفور منابع و اهداف توسعه‌ای خود، استراتژی متمایزی را دنبال کرده‌اند.

۳-۱. جایگاه کشورهای مورد مطالعه در اقتصاد جهانی و منطقه‌ای

بر اساس داده‌های بانک جهانی در سال ۲۰۲۳، روسیه با تولید ناخالص داخلی حدود ۲.۲ تریلیون دلار، یازدهمین اقتصاد بزرگ جهان و بزرگترین اقتصاد منطقه اوراسیا محسوب می‌شود. ترکیه با تولید ناخالص داخلی ۱.۲ تریلیون دلار، هفدهمین اقتصاد جهان و یکی از بازیگران اصلی اقتصاد منطقه خاورمیانه و اروپا است. عربستان سعودی با ۱.۱ تریلیون دلار، نوزدهمین اقتصاد جهان و بزرگترین اقتصاد شورای همکاری خلیج فارس است. ایران با تولید ناخالص داخلی حدود ۴۰۰ میلیارد دلار و قزاقستان با ۲۶۰ میلیارد دلار، به عنوان اقتصادهای متوسط منطقه به شمار می‌روند. در حوزه تجارت جهانی نیز ترکیه با سهم ۱.۱ درصدی از صادرات جهانی، فعال‌ترین کشور در میان پنج کشور مورد مطالعه است، در حالی که سهم سایر کشورها کمتر از ۰.۵ درصد است که عمدتاً ناشی از ماهیت منبع‌محور صادرات آن‌هاست.

۳-۲. استراتژی‌های صنعتی کشورهای مورد مطالعه

ترکیه یک نمونه بارز یک کشور با استراتژی توسعه صادرات‌محور است. این کشور در برنامه‌های توسعه‌ای خود، به‌ویژه چشم‌انداز ۲۰۳۰، بر تبدیل شدن به یک قطب تولید و لجستیک منطقه‌ای تأکید کرده است. ترکیه با بهره‌گیری از موقعیت جغرافیایی خود به‌عنوان پل ارتباطی میان اروپا و آسیا و با تمرکز بر صنایعی مانند خودرو، نساجی و لوازم خانگی، سعی در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و ادغام در زنجیره‌های ارزش اروپا داشته است. این استراتژی بر تولید کالاهای نهایی و نیمه‌نهایی با هدف صادرات و ارتقای مستمر کیفیت و فناوری متمرکز است (برنامه توسعه صنعتی ترکیه، ۲۰۲۵).

در مقابل، روسیه به‌عنوان یک قدرت دارای منابع عظیم انرژی و معدنی، استراتژی توسعه درون‌گرا با تأکید بر

جایگزینی واردات را به‌ویژه پس از اعمال تحریم‌های غربی در پیش گرفته است. اسناد بالادستی مانند استراتژی توسعه صنعتی ۲۰۳۵ روسیه، بر دو محور اصلی استوار است: نخست، حفظ و ارتقای صنایع سنگین و منبع‌پایه (نفت، گاز، فلزات اساسی) به‌عنوان منبع درآمد ارزی، و دوم، کاهش وابستگی به واردات در بخش‌های حساس مانند کشاورزی، ماشین‌آلات و صنایع دفاعی از طریق حمایت از تولید داخلی. این رویکرد دوگانه، هم به معنای تقویت نقش سنتی روسیه به‌عنوان تأمین‌کننده مواد اولیه و هم تلاش برای ایجاد یک پایگاه صنعتی مستقل است.

عربستان سعودی برای سال ۲۰۳۰ یک استراتژی صنعتی متفاوت برای گذار از اقتصاد نفتی و تنوع‌بخشی را در نظر گرفته است. نکته اصلی این استراتژی، توسعه زنجیره ارزش پایین‌دستی نفت و گاز برای تبدیل منابع خام به محصولات پتروشیمی با ارزش افزوده بالاتر است. همچنین، عربستان تلاش می‌کند با سرمایه‌گذاری در صنایع نوین (انرژی‌های تجدیدپذیر، گردشگری و فناوری اطلاعات)، وابستگی خود به درآمدهای نفتی را کاهش داده و جایگاهی جدید در اقتصاد جهانی برای خود ایجاد نماید (استراتژی صنعتی، ۲۰۲۵).

قزاقستان به‌عنوان بزرگترین اقتصاد آسیای میانه، استراتژی خود را در قالب «قزاقستان-۲۰۵۰» بر توسعه صنایع تبدیلی و فرآوری منابع متمرکز کرده است. اگرچه اقتصاد این کشور بر صادرات مواد خام (به‌ویژه نفت و فلزات) متکی است، اما اسناد توسعه‌ای آن بر ضرورت ایجاد صنایع پایین‌دستی در بخش معدن و کشاورزی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی برای انتقال فناوری و حرکت تدریجی به سمت تولید محصولات با فناوری متوسط تأکید دارد.

ایران با وجود برخورداری از منابع غنی نفت و گاز و همچنین پایه‌های صنعتی نسبتاً متنوع، تحت تأثیر مجموعه‌ای از محدودیت‌های داخلی و بین‌المللی (از جمله تحریم‌ها) استراتژی خاص خود را دنبال کرده است. سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و برنامه‌های پنج‌ساله

توسعه، محورهایی چون توسعه صنایع پیشران (نفت، گاز، پتروشیمی، فولاد و خودرو)، افزایش عمق ساخت داخل از طریق بومی سازی قطعات و تجهیزات و توسعه اقتصاد دانش بنیان را به عنوان اولویت های اصلی صنعتی کشور تعیین کرده اند. این رویکرد ترکیبی از تلاش برای استفاده از

مزیت های منبع پایه و حرکت به سمت خودکفایی و ایجاد ارزش افزوده از طریق فناوری است. استراتژی های مطرح شده و ارتباط آن ها با ابعاد مشارکت در زنجیره ارزش جهانی به تفکیک کشوری، در جدول (۱) خلاصه شده است.

جدول ۱- خلاصه استراتژی صنعتی کشورهای مورد مطالعه

کشور	استراتژی/چشم انداز کلیدی	تمرکز اصلی استراتژی صنعتی	جهت گیری مورد انتظار در زنجیره های ارزش جهانی
ترکیه	استراتژی توسعه صنعتی ۲۰۳۰	توسعه صادرات با محوریت فناوری، تبدیل به هاب لجستیک و تولید منطقه ای	تقویت مشارکت پسینی (تبدیل مواد اولیه وارداتی به کالای نهایی صادراتی)
روسیه	استراتژی توسعه صنعتی ۲۰۳۵	جایگزینی واردات در صنایع حساس، حفظ و ارتقای صنایع سنگین و منابع پایه	تقویت مشارکت پیشینی (تأمین کننده مواد اولیه) و کاهش وابستگی پسینی
عربستان سعودی	چشم انداز ۲۰۳۰	تنوع بخشی به اقتصاد، توسعه پایین دستی نفت (پتروشیمی)، صنایع نوین	حرکت از مشارکت پیشینی (نفت خام) به سمت مشارکت پسینی (محصولات پتروشیمی)
قزاقستان	استراتژی «قزاقستان-۲۰۵۰»	توسعه صنایع تبدیلی در کشاورزی و معدن، جذب FDI در صنایع با فناوری متوسط	تقویت تدریجی مشارکت پسینی برای کاهش وابستگی به صادرات مواد خام
ایران	سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی، برنامه هفتم توسعه	توسعه صنایع پیشران، افزایش عمق ساخت داخل، توسعه دانش بنیان	حفظ مشارکت پیشینی (منابع) و تلاش برای بومی سازی (کاهش وابستگی پسینی)

منبع: یافته های پژوهش

این چارچوب استراتژیک، مبنای تحلیل عملکرد کشورها در بخش های بعدی خواهد بود و به ما امکان می دهد تا میزان موفقیت آن ها را در دستیابی به اهداف تعیین شده ارزیابی کنیم.

۴. روش شناسی پژوهش

این پژوهش با رویکردی توصیفی-تحلیلی و با استفاده از داده های ثانویه، به مقایسه تطبیقی مشارکت در زنجیره های ارزش جهانی و عملکرد ارتقای صنعتی در چهار کشور روسیه، ترکیه، عربستان سعودی و قزاقستان طی دوره زمانی ۱۰ ساله (۲۰۲۳-۲۰۱۳) می پردازد. دلیل انتخاب این بازه زمانی، دسترسی به آخرین آمار منتشر شده در پایگاه داده سازمان توسعه صنعتی ملل متحد برای ارزش افزوده صنعتی به تفکیک رشته فعالیت ها است. همخوانی

رشته فعالیت های صنعتی برحسب طبقه بندی آیسیک ویرایش چهارم در محاسبه هر دو دسته شاخص ها، امکان تحلیل همسو و مقایسه ای را در بین کشورهای مختلف و رشته فعالیت های گوناگون فراهم می آورد.

برای سنجش کمی مشارکت کشورهای مورد مطالعه در زنجیره های ارزش جهانی، از محاسبه شاخص مشارکت و شاخص های مشارکت پیشینی و پسینی استفاده می شود (یعقوبی، ۱۴۰۲). این شاخص ها در سطح تفصیلی رشته فعالیت صنعتی بر اساس طبقه بندی بین المللی آیسیک ویرایش چهارم محاسبه خواهند شد.

تعریف مفاهیم و شاخص ها

مفاهیم کلیدی استفاده شده در مقاله بدین گونه تعریف شده اند:

کالاهای واسطه‌ای در مقابل کالاهای نهایی و مواد خام

مواد خام (Raw Materials): به محصولات اولیه و فرآوری نشده‌ای اطلاق می‌شود که به‌طور مستقیم از طبیعت استخراج شده و بدون تغییر اساسی، وارد چرخه تولید می‌شوند. نفت خام، سنگ آهن، گندم و چوب خام در این دسته قرار می‌گیرند. صادرات مواد خام پایین‌ترین سطح ارزش افزوده را دارند.

کالاهای واسطه‌ای (Intermediate Goods): به محصولاتی گفته می‌شود که در فرآیند تولید، مرحله‌ای از فرآوری را پشت سر گذاشته‌اند اما هنوز به مرحله کالای نهایی نرسیده‌اند و به‌عنوان نهاده در تولید سایر کالاهای کار می‌روند. ورق‌های فولادی، قطعات خودرو، نخ و پارچه و پلیمرهای پتروشیمی کالاهای واسطه‌ای محسوب می‌شوند. صادرات کالاهای واسطه‌ای نسبت به مواد خام، ارزش افزوده بیشتری ایجاد می‌کند.

کالاهای نهایی (Final Goods): محصولاتی هستند که آماده مصرف نهایی توسط مصرف‌کننده یا کاربر بوده و نیاز به پردازش بیشتر ندارند.

انواع مشارکت در زنجیره ارزش:

مشارکت پیشینی (Forward Participation): این شاخص بیانگر میزان ارزش افزوده داخلی یک کشور است که به‌عنوان نهاده در فرآیند تولید و صادرات سایر کشورها به کار می‌رود. به عبارت دیگر، وقتی کشوری مواد اولیه یا قطعاتی را به کشور دیگر صادر می‌کند و آن کشور پس از تبدیل، محصول نهایی را به بازار جهانی عرضه می‌کند، مشارکت پیشینی رخ داده است. کشورهایی که در بالادست زنجیره ارزش قرار دارند (مانند تأمین‌کنندگان مواد خام)، معمولاً مشارکت پیشینی بالایی دارند.

مشارکت پسینی (Backward Participation): این شاخص نشان‌دهنده میزان استفاده یک کشور از نهاده‌های وارداتی (کالاهای واسطه‌ای) برای تولید کالاها و خدمات

صادراتی خود است. به عبارت دیگر، وقتی کشوری قطعات را از دیگران وارد و سپس محصول نهایی را صادر می‌کند، مشارکت پسینی رخ داده است. کشورهای تبدیل‌محور و مونتاژکار (مانند ترکیه) معمولاً مشارکت پسینی بالایی دارند. ارتقای صنعتی: به معنای حرکت بنگاه‌ها و کشورها از فعالیت‌های کم‌بهره‌وری و کم‌ارزش به سمت فعالیت‌های با بهره‌وری و ارزش افزوده بالاتر در درون زنجیره‌های ارزش جهانی است.

جهت سنجش شاخص مشارکت در زنجیره‌های ارزش جهانی کشورهای مورد مطالعه از روش مبتنی بر داده‌های تجاری استفاده شده است. روش محاسبه این شاخص بر اساس داده‌های تجاری شامل چهار مرحله اصلی به شرح زیر است (یعقوبی و همکاران، ۱۴۰۱):

مرحله اول: محاسبه سهم تجارت کالاهای واسطه‌ای از کل تجارت کشور

در این مرحله، سهم تجارت کالاهای واسطه‌ای (شامل صادرات و واردات) از کل تجارت کشور محاسبه می‌شود. این شاخص نمای کاملی از مشارکت کشور در زنجیره ارزش جهانی ارائه می‌دهد.

نسبت ارزش صادرات کالاهای واسطه‌ای به کل صادرات:

$$XISH_C = \frac{EXGRIC}{EXGR_C}$$

که در آن:

$XISH_C$ = نسبت ارزش صادرات کالاهای واسطه‌ای به کل

ارزش صادرات کشور C

ارزش صادرات $EXGRIC = \sum_{q \in int} EXGR_C(q)$

کالاهای واسطه‌ای کشور C

کل ارزش صادرات کشور C $EXGR_C = \sum_q EXGR_C(q)$

$q=1,2,\dots,Q$ معرف محصولات واسطه‌ای

نسبت ارزش واردات کالاهای واسطه‌ای به کل واردات:

$$MISH_C = \frac{IMGRIC}{IMGR_C}$$

MISH c = نسبت ارزش واردات کالاهای واسطه‌ای به کل

ارزش واردات کشور C

ارزش واردات کالاهای واسطه‌ای کشور C = $IMGRIC = \sum_{q \in \text{int}} IMGR_C(q)$

ارزش واردات کشور C

کل ارزش واردات کشور C = $IMGR_C = \sum_q IMGR_C(q)$

سهم کل تجارت کالاهای واسطه‌ای از کل تجارت کشور:

$$TISH_C = \frac{EXGRIC + IMGRIC}{EXGR_C + IMGR_C}$$

مرحله دوم: محاسبه نسبت تجارت کالاهای واسطه‌ای به تولید

ناخالص داخلی

از آنجا که شاخص TISH ممکن است در برخی کشورها

تصویر کاملی ارائه ندهد، شاخص RITH توسط دالین

(۲۰۱۰) پیشنهاد شده است. این شاخص اهمیت ارتباط

تجارت کالاهای واسطه‌ای را با تولید ناخالص داخلی نشان

می‌دهد:

$$RITH_C = \frac{EXGRIC + IMGRIC}{GDP_C}$$

مرحله سوم: محاسبه نسبت واردات به صادرات کالاهای

واسطه‌ای

شاخص CRI موقعیت کشور در زنجیره ارزش جهانی را

مشخص می‌کند:

$$CRI_C = \frac{IMGRIC}{EXGRIC}$$

کشورهای با CRI پایین: عمدتاً در ابتدای زنجیره قرار دارند و

مواد خام صادر می‌کنند.

کشورهای با CRI بالا: معمولاً بر مونتاز قطعات وارداتی تمرکز

دارند.

مرحله چهارم: محاسبه شاخص نهایی مشارکت در GVCs

شاخص تجارت درون‌صنعت در کالاهای واسطه‌ای

(شاخص GL) به‌عنوان نماد نهایی مشارکت در زنجیره

ارزش جهانی محاسبه می‌شود:

$$GL_{C,P} = 1 - \frac{\sum_{q \in \text{int}} |EXGR_{C,P}(q) - IMGR_{C,P}(q)|}{\sum_{q \in \text{int}} (EXGR_{C,P}(q) + IMGR_{C,P}(q))}$$

$EXGR_{C,P}(q)$ = ارزش صادرات کالاهای واسطه‌ای q به

کشور p

$IMGR_{C,P}(q)$ = ارزش واردات کالاهای واسطه‌ای q از کشور p

مقدار این شاخص بین صفر و یک متغیر است:

مقادیر نزدیک به صفر: سطح پایین مشارکت در زنجیره

ارزش جهانی

مقادیر نزدیک به یک: سطح بالای مشارکت در زنجیره

ارزش جهانی

این روش‌شناسی جامع، امکان مقایسه‌ای نظام‌مند از

موقعیت کشورهای مختلف در زنجیره ارزش جهانی را فراهم

می‌سازد.

داده‌های مورد نیاز این پژوهش از پایگاه‌های معتبر

بین‌المللی شامل سازمان توسعه صنعتی ملل متحد

(یونیدو)، بانک جهانی، مرکز تجارت بین‌الملل و بانک

توسعه اسلامی گردآوری می‌شود. پس از محاسبه شاخص‌ها

برای هر کشور و هر رشته فعالیت، از روش‌های آمار توصیفی و

تحلیل روند برای توصیف الگوهای مشارکت و ارتقا، استفاده

شده و در نهایت با به‌کارگیری روش مقایسه‌ای، یافته‌های

کشورها در قالب جداول و نمودارها در کنار یکدیگر قرار

گرفته و تحلیل می‌شوند. رویکرد مذکور این امکان را فراهم

می‌سازد تا نه تنها جایگاه کلی هر کشور در زنجیره‌های ارزش

جهانی پسینی و پیشینی مشخص شود، بلکه نشان می‌دهد

کدام یک از رشته فعالیت‌های صنعتی در هر کشور موفق به

ایجاد ارزش افزوده بالاتر و ارتقای صنعتی شده‌اند.

جدول ۲- منابع داده‌های پژوهش

متغیر	منبع داده	لینک پایگاه داده	سطح تفکیک فعالیت‌ها	بازه زمانی
ارزش افزوده صنعتی	سازمان توسعه صنعتی ملل متحد	https://stat.unido.org	ISIC Rev.4 (۲ و ۴ رقمی)	۲۰۱۳-۲۰۲۳
داده‌های تجاری (صادرات و واردات کالاها واسطه‌ای)	بانک جهانی	https://wits.worldbank.org	سطح HS ۶ رقمی (تطبیق داده شده با ISIC)	۲۰۱۳-۲۰۲۳
تولید ناخالص داخلی و داده‌های تکمیلی	بانک جهانی	https://databank.worldbank.org/source/world-development-indicators	—	۲۰۱۳-۲۰۲۳
داده‌های تجارت کالاها واسطه‌ای	بانک توسعه اسلامی	https://www.isdb.org	سطح HS	۲۰۱۳-۲۰۲۳
شاخص‌های مشارکت در GVC (محاسباتی)	برگرفته از داده‌های IsDB و WITS	محاسباتی	محاسبه شده در سطح رشته فعالیت‌های ISIC	۲۰۱۳-۲۰۲۳

منبع: یافته‌های تحقیق

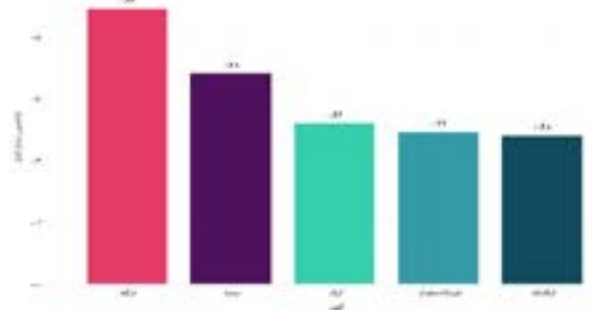
ناشی از سیاست‌های هدفمند توسعه صادرات، سرمایه‌گذاری در صنایع با ارزش افزوده بالا و بهره‌برداری مناسب از موقعیت استراتژیک جغرافیایی این کشور به عنوان پل ارتباطی میان اروپا و آسیا است. روسیه نیز با شاخص ۰.۶۸ در این گروه قرار می‌گیرد. اگرچه این کشور از پایگاه صنعتی گسترده و منابع طبیعی غنی برخوردار است، اما الگوی مشارکت آن بر صادرات مواد خام و محصولات پایه‌ای بوده که ظرفیت ارتقا در زنجیره ارزش را محدود کرده است. کشورهای با مشارکت متوسط: ایران با شاخص ۰.۵۲، عربستان سعودی با ۰.۴۹ و قزاقستان با ۰.۴۸ در این گروه جای می‌گیرند. نکته قابل توجه آن است که در میان کشورهای نفتی منطقه، ایران عملکرد بهتری نسبت به دو کشور دیگر دارد. این برتری نسبی ناشی از تنوع بیشتر در پایه تولیدی ایران و توسعه بخش‌های صنعتی غیرنفتی است. با این حال، فاصله قابل توجه ایران با ترکیه نشان می‌دهد که علی‌رغم برخورداری از منابع طبیعی غنی، این کشور نتوانسته به صورت بهینه از این مزیت برای مشارکت بهتر در زنجیره‌های ارزش جهانی بهره‌برداری کند. عملکرد مشابه عربستان سعودی و قزاقستان (با اختلاف فقط ۰.۰۱) بیانگر الگوی توسعه مشابه مبتنی بر منابع در این دو کشور است. هر دو کشور اگرچه از درآمدهای نفتی قابل توجهی برخوردارند، اما ساختار مشارکت

از جمله محدودیت‌های این پژوهش عدم دسترسی به جداول داده- ستانده برای بررسی دقیق‌تر شاخص مشارکت در زنجیره‌های ارزش جهانی است که برای رفع آن از گزارش صندوق بین‌المللی پول الهام گرفته و از شاخص‌های تجاری بر اساس داده‌ای تجاری کالاها واسطه‌ای کشورها استفاده شده که تصویری کلی از میزان مشارکت کشورها در زنجیره‌های ارزش جهانی را نشان می‌دهد.

۵. تحلیل نتایج آمار توصیفی

۵-۱. تحلیل شاخص کل مشارکت در زنجیره‌های ارزش جهانی برای سنجش میزان مشارکت کشورها در زنجیره‌های ارزش جهانی، از شاخص مشارکت (GL) استفاده شده است. بر اساس طبقه‌بندی صندوق بین‌المللی پول (۲۰۲۳)، کشورها بر اساس مقدار این شاخص به سه گروه تقسیم می‌شوند: مشارکت پایین (کمتر از ۰.۴۵)، مشارکت متوسط (بین ۰.۴۵ تا ۰.۷۵) و مشارکت بسیار بالا (بیشتر از ۰.۷۵) (یعقوبی، ۱۴۰۲). بر این اساس، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد کشورهای مورد مطالعه در دو گروه متفاوت جای می‌گیرند (نمودار ۱). کشورهای با مشارکت بسیار بالا: در این گروه، ترکیه با شاخص ۰.۸۹ به عنوان پیش‌تاز منطقه ظاهر شده است. این جایگاه برتر

آن‌ها به صادرات مواد خام و محصولات اولیه محدود شده و نتوانسته‌اند این مزیت را به ابزاری برای مشارکت پایدار و عمیق در اقتصاد جهانی تبدیل کنند.



نمودار ۱- شاخص مشارکت در زنجیره‌های ارزش جهانی ایران

کشور	شاخص مشارکت
ترکیه	۰,۸۹
روسیه	۰,۶۸
ایران	۰,۵۲
عربستان سعودی	۰,۴۹
قزاقستان	۰,۴۸

منبع: محاسبات محقق بر اساس داده‌های پایگاه اطلاعاتی سازمان توسعه صنعتی ملل متحد (یونیدو)

برای فهم رابطه این مشارکت با ارتقای صنعتی، باید به «چپستی» این مشارکت و «ارزش» ایجادشده در هر کشور پرداخت. از این رو، در این بخش میانگین ارزش افزوده رشته‌فعالیت‌های صنعتی کشورهای مورد مطالعه در بازه زمانی ۲۰۲۳-۲۰۱۳ مورد تحلیل قرار می‌گیرد. این تحلیل در دو سطح انجام می‌شود: نخست، مقایسه اندازه کل اقتصاد صنعتی کشورها و دوم، بررسی ساختار درونی و ترکیب رشته‌فعالیت‌ها به تفکیک هر کشور.

۲-۱. اندازه اقتصاد صنعتی

بر اساس یافته‌ها، کشورهای مورد مطالعه از نظر اندازه ارزش افزوده صنعتی در چهار سطح طبقه‌بندی می‌شوند (جدول ۳).

جدول ۳- میانگین ارزش افزوده صنعتی کشورهای مورد مطالعه (۲۰۲۳-۲۰۱۳)

رتبه	کشور	میانگین ارزش افزوده (میلیون دلار)	نسبت به روسیه
۱	روسیه	۶۷۶۳.۴	۱
۲	عربستان سعودی	۱۲۰۵.۴	۰,۱۸
۳	ایران	۱۰۴۲.۳	۰,۱۵
۴	ترکیه	۷۹۰.۳	۰,۱۲
۵	قزاقستان	۱۵۰.۸	۰,۰۲

منبع: محاسبات محقق بر اساس داده‌های پایگاه اطلاعاتی سازمان توسعه صنعتی ملل متحد (یونیدو)

سطح اول - قدرت برتر صنعتی منطقه: روسیه با میانگین ارزش افزوده ۶۷۶۳.۴ میلیون دلار در رتبه اول قرار دارد که ۵.۶ برابر عربستان سعودی و ۶.۵ برابر ایران است و نشان‌دهنده عمق و گستردگی پایگاه صنعتی این کشور می‌باشد. جایگاه روسیه حاکی از آن است که این کشور علیرغم چالش‌های بین‌المللی، توانسته موقعیت خود را به عنوان قطب صنعتی منطقه حفظ کند.

سطح دوم - اقتصادهای دارای درآمد نفتی: در این گروه، عربستان سعودی با ۱۲۰۵.۴ میلیون دلار و ایران با ۱۰۴۲.۳ میلیون دلار به ترتیب در جایگاه دوم و سوم قرار دارند. عملکرد

یافته‌های این بخش نشان می‌دهد که برخورداری از منابع طبیعی، تضمین‌کننده مشارکت عمیق در زنجیره‌های ارزش جهانی نیست. ترکیه به عنوان کشوری با منابع طبیعی محدود، با اتخاذ استراتژی صنعتی هوشمند، توانسته بالاترین سطح مشارکت را کسب کند؛ در حالی که کشورهای منبع‌محور منطقه با وجود درآمدهای نفتی، در سطوح متوسط مشارکت باقی مانده‌اند.

۲-۲. تحلیل ارزش افزوده صنعتی: اندازه، ساختار و الگوهای توسعه

شاخص کل مشارکت در زنجیره ارزش، تصویری از میزان مشارکت کشورها در اقتصاد جهانی را نشان می‌دهد، اما

در میان صنایع دارند. این ارقام نشان‌دهنده وابستگی شدید اقتصاد روسیه به منابع طبیعی و نقش حیاتی آن به عنوان تأمین‌کننده مواد اولیه در زنجیره تولید جهانی است.

در لایه میانی، صنایع با فناوری بالاتر از جمله قطعات و بردهای الکترونیکی (۸,۹۰۲ میلیون دلار) و وسایل نقلیه موتوری (۶,۰۲۷ میلیون دلار)، اگرچه سهم کمتری دارند، ولی نشان از تلاش این کشور برای تنوع‌بخشی به پایه تولیدی خود دارد.

بخش قابل توجه دیگری از ساختار صنعتی روسیه به صنایع مصرفی مانند داروسازی (۴,۰۴۵ میلیون دلار)، فرآوری گوشت (۴,۰۱۳ میلیون دلار) و محصولات لبنی (۳,۶۵۳ میلیون دلار) اختصاص دارد که بازتاب‌دهنده اندازه بازار داخلی است.



نمودار ۳- میانگین ارزش افزوده در رشته‌فعالیت‌های صنعتی کشور روسیه (۲۰۲۳-۲۰۱۳)

منبع: محاسبات محقق بر اساس داده‌های پایگاه اطلاعاتی سازمان توسعه صنعتی ملل متحد (یونیدو)

در مجموع، این ساختار تصویری از یک اقتصاد مبتنی بر منابع را نشان می‌دهد. تمرکز بر صنایع پایه و فرآوری اولیه، ضرورت حرکت به سمت صنایع با فناوری بالاتر را آشکار می‌سازد.

ترکیه: تنوع‌محوری و ارتقای زنجیره ارزش

بر اساس نمودار (۴)، برخلاف روسیه که بر پایه منابع متمرکز است؛ اقتصاد ترکیه، یک ساختار صنعتی متنوع و مبتنی بر صنایع تبدیلی را ارائه می‌دهد. با بررسی ارزش افزوده

این دو کشور نشان می‌دهد اگرچه درآمدهای نفتی می‌تواند به توسعه صنعتی کمک کند، اما این عامل به‌تنهایی برای دستیابی به سطوح بالای ارزش افزوده کافی نیست.

سطح سوم - اقتصاد صنعتی بدون اتکا به نفت: ترکیه با میانگین ارزش افزوده ۷۹۰.۳ میلیون دلار، بدون برخورداری از درآمدهای نفتی، توانسته به حدود ۷۵ درصد ارزش افزوده صنعتی ایران دست یابد؛ که نشان‌دهنده آن است که استراتژی تنوع‌بخشی صنعتی و مشارکت موفق در زنجیره‌های ارزش جهانی می‌تواند جایگزینی برای اتکا به درآمدهای نفتی باشد.

سطح چهارم - اقتصاد منبع‌محور با صنایع محدود: قزاقستان با ۱۵۰.۸ میلیون دلار پایین‌ترین سطح ارزش افزوده صنعتی را به خود اختصاص داده است. این آمار نشان می‌دهد که این کشور هنوز نتوانسته به صورت کامل از منابع طبیعی خود برای توسعه پایه صنعتی گسترده بهره‌برداری کند.

۲-۲-۵. ساختار درونی اقتصاد صنعتی: وابستگی به منابع یا تنوع تولیدی

برای سهولت مقایسه، صنایع هر کشور در سه دسته کلی طبقه‌بندی شده‌اند: صنایع منبع‌پایه (مرتبط با استخراج و فرآوری اولیه منابع)، صنایع میانی و تبدیلی (با فناوری متوسط) و صنایع با فناوری پیشرفته (الکترونیک، ماشین‌آلات پیشرفته و ...).

روسیه: ابرقدرت منابع‌پایه با صنایع مصرفی مکمل

همان‌طور که در نمودار (۳) مشاهده می‌شود، ساختار صنعتی روسیه بر صنایع استخراجی و فرآوری اولیه منابع طبیعی و صنایع غذایی و مصرفی مبتنی بر بازار داخلی استوار است؛ به‌طوری‌که صنایع منبع‌پایه از جمله آهن و فولاد پایه (۳۶,۲۰۷ میلیون دلار) و فرآورده‌های نفتی تصفیه‌شده (۳۱,۳۷۳ میلیون دلار) بالاترین ارزش افزوده را



نمودار ۴- میانگین ارزش افزوده در رشته فعالیت های صنعتی کشور ترکیه (۲۰۱۳-۲۰۲۳)

منبع: محاسبات محقق بر اساس داده های پایگاه اطلاعاتی سازمان توسعه صنعتی ملل متحد (یونیدو)

عربستان سعودی: تسلط صنایع پایین دستی نفت

همان طور که در نمودار (۵) مشاهده می شود، ساختار صنعتی عربستان سعودی بر پایه منابع طبیعی و صنایع پایین دستی نفت و گاز است. دو بخش محصولات کوره و کک با ارزش افزوده ۱۷.۹ میلیارد دلار و فرآورده های نفتی تصفیه شده با ارزش افزوده ۱۷.۲ میلیارد دلار پایه اصلی اقتصاد صنعتی این کشور را تشکیل می دهند؛ که نشان دهنده این است که عربستان گامی بلند جهت حرکت از صادرات نفت خام و توسعه بخش پالایش و تبدیل منابع به محصولات با ارزش افزوده بالاتر برداشته است. در جایگاه بعدی، صنایع مواد شیمیایی پایه با ارزش افزوده ۱۱.۲ میلیارد دلار قرار دارد که عربستان را به بازیگر اصلی در بازار محصولات پتروشیمی تبدیل کرده است. بخش قابل توجهی از ارزش افزوده این کشور به صنایع غذایی و فرآوری گوشت (۷,۶ میلیارد دلار) اختصاص دارد که حاکی از تلاش این کشور برای تأمین امنیت غذایی و کاهش وابستگی به واردات در این حوزه است. در ساختار صنعتی این کشور سهم صنایع با فناوری بالاتر (موتورهای الکتریکی، وسایل نقلیه موتوری و قطعات الکترونیکی) بسیار ناچیز است.

صنعتی در صنایع ترکیه مشاهده می شود که به ترتیب آهن و فولاد پایه (۶,۳۲۳ میلیون دلار)، صنعت پوشاک (۴,۹۷۱ میلیون دلار) و محصولات پلاستیکی (۳,۹۸۶ میلیون دلار) بالاترین میزان ارزش افزوده صنعتی را به طور میانگین در طی سال های مورد بررسی داشته اند.

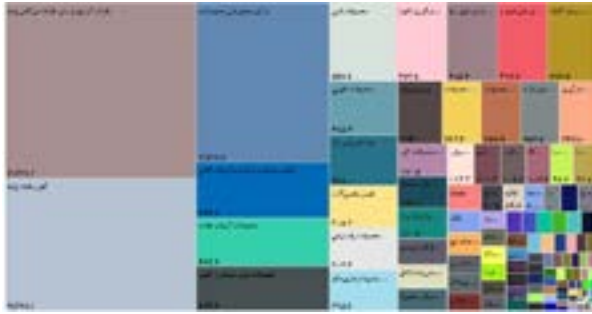
مجموعه صنایع خودروسازی (وسایل نقلیه موتوری با ارزش افزوده ۳,۵۲۲ میلیون دلار) و قطعات و لوازم جانبی با ارزش افزوده ۳,۱۷۰ میلیون دلار) پایه و اساس محور اصلی فعالیت های صنعتی این کشور را تشکیل می دهند. عوامل موفقیت ترکیه در سه محور طبقه بندی می شود:

نخست، بهره برداری از مزیت جغرافیایی: صنایعی مانند پوشاک و خودرو از موقعیت ترانزیتی ترکیه بین اروپا و آسیا نهایت بهره را برده اند. صنعت پوشاک به بازار ۵۰۰ میلیون نفری اتحادیه اروپا دسترسی ترجیحی دارد و صنعت خودرو با صادرات بیش از دو سوم تولیدات خود به یک قطب صادرات محور تبدیل شده است.

دوم، تمرکز بر ارتقای زنجیره ارزش و نوآوری: ترکیه به جای رقابت بر سر قیمت، به طراحی، تحقیق و توسعه و برندسازی روی آورده است. شرکت های ترکیه ای در صنعت پوشاک با ایجاد تمایز از طریق طراحی و کیفیت، از مزیت رقابتی برخوردار هستند.

سوم، توسعه خوشه های صنعتی: این صنایع با ایجاد شبکه ای از تأمین کنندگان، کارایی و انعطاف پذیری خود را افزایش داده اند.

در کنار این صنایع پیشرو، بخش های مکمل مانند لوازم خانگی (۲,۱۳۸ میلیون دلار)، مبلمان (۲,۰۵۹ میلیون دلار) و منسوجات (۲,۲۱۹ میلیون دلار) نیز فعال هستند که همگی بر پایه تبدیل مواد اولیه به کالاهای نهایی با ارزش افزوده بالاستوار هستند.



نمودار ۶: میانگین ارزش افزوده در رشته‌های فعالیت‌های صنعتی کشور قزاقستان (۲۰۱۳-۲۰۲۳)

منبع: محاسبات محقق بر اساس داده‌های پایگاه اطلاعاتی سازمان توسعه صنعتی ملل متحد (یونیدو)



نمودار ۵: میانگین ارزش افزوده در رشته‌های فعالیت‌های صنعتی کشور عربستان سعودی (۲۰۱۳-۲۰۲۳)

منبع: محاسبات محقق بر اساس داده‌های پایگاه اطلاعاتی سازمان توسعه صنعتی ملل متحد (یونیدو)

ایران: تنوع نسبی در سایه وابستگی به منابع

در نمودار (۷)، ساختار صنعتی ایران در بازه زمانی ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۳ نشان داده شده است؛ همان‌طور که ملاحظه می‌شود تمرکز اصلی بر منابع طبیعی و صنایع پایین دستی نفت و گاز است. البته تولید صنعتی نسبتاً متنوع نیز مشاهده می‌شود. صنایع منبع‌پایه از جمله آهن و فولاد پایه (۲۰.۹ میلیارد دلار)، مواد شیمیایی پایه (۱۳.۸ میلیارد دلار)، فرآورده‌های نفتی تصفیه شده (۱۳.۵ میلیارد دلار) و پلاستیک و لاستیک مصنوعی (۱۰ میلیارد دلار) به ترتیب بالاترین ارزش افزوده در اقتصاد صنعتی کشور دارند. این ساختار، استراتژی توسعه زنجیره ارزش پایین دستی انرژی و مزیت‌های معدنی ایران را نشان می‌دهد. در لایه میانی، صنایع مصرفی و ساختمانی مانند محصولات لبنی (۲.۵ میلیارد دلار)، سیمان، آهک و گچ (۲.۶ میلیارد دلار)، روغن‌ها و چربی‌های گیاهی و حیوانی (۲.۱ میلیارد دلار) و مصالح ساختمانی (۲ میلیارد دلار) مشاهده می‌شوند. نکته مثبت در ساختار صنعتی ایران، حضور قابل توجه صنایع با فناوری متوسط از جمله وسایل نقلیه موتوری (۴.۲ میلیارد دلار)، قطعات خودرو (۳.۷ میلیارد دلار) و لوازم خانگی (۱.۶ میلیارد دلار) است. این ارقام نشان می‌دهد که ایران توانسته است پایه‌ای برای تولید کالاهای سرمایه‌ای و بادوام در داخل کشور ایجاد کند.

قزاقستان: اقتصاد تک‌محصولی با وابستگی به مواد خام

نمودار (۶)، ساختار صنعتی قزاقستان را نشان می‌دهد که تصویری از یک اقتصاد متکی بر منابع طبیعی و مواد خام است. فلزات گرانبها و سایر فلزات غیرآهنی پایه (۳,۵۳۵ میلیون دلار) در رتبه اول قرار دارند و به ترتیب آهن و فولاد پایه (۲,۶۷۸ میلیون دلار) و فرآورده‌های نفتی تصفیه شده (۲,۲۲۸ میلیون دلار) در رتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند؛ که نشان‌دهنده وابستگی شدید اقتصاد این کشور به صادرات مواد خام و محصولات اولیه است. صنایع غذایی و کشاورزی از جمله غلات، محصولات لبنی و فرآوری گوشت در رتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند؛ که نشان‌دهنده این موضوع است که علیرغم تمرکز بر منابع طبیعی، بخش کشاورزی نیز از پایه‌های اقتصادی مهم این کشور است. در نقطه مقابل، صنایع با فناوری بالا در این کشور نیز سهم بسیار ناچیزی دارند. این شکاف عمیق، چالش اصلی قزاقستان برای تنوع‌بخشی به اقتصاد و حرکت به سمت صنایع با ارزش افزوده بالاتر را نمایان می‌کند. براین اساس می‌توان گفت اقتصاد صنعتی قزاقستان هنوز در مرحله اول توسعه صنعتی (تکیه بر منابع طبیعی) قرار دارد.

صنایع با فناوری پیشرفته روبرو هستند. نکته قابل تأمل، عملکرد ترکیه است که بدون برخورداری از درآمدهای نفتی، توانسته به الگویی موفق از توسعه صنعتی مبتنی بر استراتژی تبدیل شود.

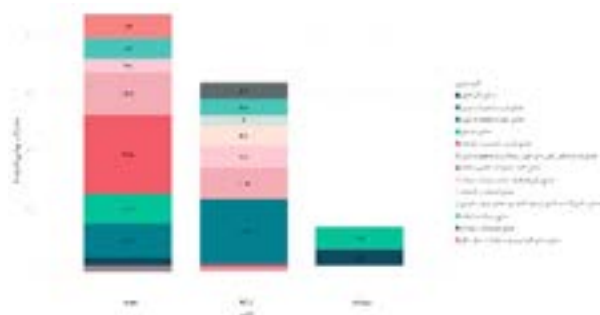
تحلیل ارزش افزوده صنعتی نشان داد که اگرچه روسیه بزرگترین پایگاه صنعتی منطقه را دارد، که بر صنایع منبع پایه متمرکز است. در مقابل، ترکیه با پایگاه کوچکتر اما متنوع تر، توانسته در صنایع با ارزش افزوده بالاتر جایگاه بهتری کسب کند.

با این حال، صنایع داروسازی (۳.۵ میلیارد دلار)، سهم بالایی ندارد و نشان دهنده ضعف فناورانه در این بخش است. نقطه ضعف اصلی، شکاف عمیق در صنایع با فناوری پیشرفته است؛ به طوری که کامپیوتر و تجهیزات جانبی (۲۹۸ میلیون دلار)، تجهیزات ارتباطی (۱۴۶ میلیون دلار) و قطعات و بردهای الکترونیکی (۵۲ میلیون دلار) در مقایسه با ابرکشورهای نفتی و فولادی بسیار ناچیز است و وابستگی شدید ایران به واردات فناوری های پیشرفته را به خوبی نشان می دهد.

۳-۵. تحلیل مشارکت پیشینی و پسینی در زنجیره ارزش

۱-۳-۵. مشارکت پیشینی

نمودار (۸)، رشد مشارکت پیشینی در بازه ۲۰۲۲-۲۰۱۷، کشورهای مورد مطالعه را نشان می دهد؛ و حاکی از آن است که هر کشور بر اساس مزیت های نسبی و استراتژی توسعه اقتصادی خود، مسیرهای متمایزی را در پیش گرفته اند.



نمودار ۸- مشارکت کشورها در زنجیره های ارزش جهانی پیشینی (درصد تغییرات)

منبع: محاسبات محقق بر اساس داده های پایگاه اطلاعاتی بانک توسعه اسلامی و بانک جهانی

ترکیه: تنوع بخشی با چالش در صنایع کلیدی

ترکیه با رشد چشمگیر ۲۱.۹ درصدی در صنایع «چوب و محصولات چوبی»، بالاترین نرخ رشد را در بین تمام بخش های مورد بررسی داشته، که عملکرد مثبت همراه با رشدهای قابل توجه ۱۰.۹ درصدی در صنایع «فلزات اساسی» و ۵.۸ درصدی در صنایع «منسوجات و پوشاک»



نمودار ۷- میانگین ارزش افزوده در رشته فعالیت های صنعتی کشور ایران (۲۰۲۳-۲۰۱۳)

منبع: محاسبات محقق بر اساس داده های پایگاه اطلاعاتی سازمان توسعه صنعتی ملل متحد (یونیدو)

۳-۲-۵. الگوهای توسعه صنعتی در کشورهای مورد مطالعه

تحلیل تطبیقی ساختار صنعتی پنج کشور، الگوهای متمایزی را آشکار می سازد. در یک سوی این طیف، روسیه به عنوان قدرت برتر صنعتی منطقه با پایگاه صنعتی گسترده اما مبتنی بر منابع قرار دارد. در سوی دیگر، قزاقستان با اقتصاد تک محصولی و وابستگی شدید به صادرات مواد خام جای گرفته است. در میان کشورهای دارای درآمد نفتی، عربستان سعودی با تمرکز بر توسعه زنجیره ارزش پایین دستی نفت، به بازیگری جهانی در حوزه پتروشیمی تبدیل شده، در حالی که ایران با برخورداری از پایه صنعتی نسبتاً متنوع تر، در صنایع پایه مانند فولاد و پتروشیمی و همچنین خودروسازی موفقیت هایی کسب کرده است. با این وجود، هر دو کشور با چالش مشترک وابستگی به درآمدهای نفتی و توسعه نیافتن

راستای چشم‌انداز ۲۰۳۰ برای کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی خام و توسعه صنایع تبدیلی گام برداشته است.

قزاقستان: حضور کم‌رنگ در مشارکت پیشینی

برخلاف ترکیه، روسیه و عربستان که با رشد قابل توجه در بخش‌های صنعتی مختلف، مشارکت پیشینی فعالی در زنجیره ارزش منطقه‌ای داشته‌اند، قزاقستان با نقش کم‌رنگ و مشارکت محدودی در این زمینه مواجه است. این وضعیت ناشی از وابستگی این کشور به صادرات مواد خام و اولیه، پایگاه صنعتی توسعه‌نیافته و عدم تنوع بخشی در پایه تولیدی است. در نتیجه، جایگاه قزاقستان در زنجیره تأمین منطقه‌ای به‌عنوان یک بازیگر حاشیه‌ای و نه یک شریک فعال تثبیت شده است.

براین اساس مشاهده می‌شود که در مشارکت پیشینی، روسیه با رشدهای بالا و گسترده در اکثر بخش‌ها، در حال تقویت همه‌جانبه پایگاه صنعتی خود است. ترکیه با وجود چالش در بخش خودرو، با ثبت بالاترین نرخ رشد (صنایع چوب) و عملکرد خوب در بخش‌های متنوع، پویایی اقتصادی خود را به نمایش گذاشته است. عربستان نیز مسیر استراتژیک خود را برای توسعه صنایع وابسته به نفت با ارزش افزوده بالاتر دنبال می‌کند. این موارد نشان می‌دهد که هر کشور بر اساس مزیت‌ها و اولویت‌های استراتژیک خود، مسیر توسعه صنعتی متفاوتی را طی می‌کند.

۲-۳-۵. مشارکت پسینی

بر اساس نمودار ۹ در مشارکت پسینی، الگوهای وابستگی متقابل صنعتی میان چهار کشور منطقه به وضوح قابل مشاهده است. این داده‌ها نشان می‌دهد که هر کشور چه میزان از نهاده‌های وارداتی، در تولید صادرات خود استفاده می‌کند و این وابستگی در چه بخش‌هایی متمرکز است.

(که صنعت پیشرو این کشور محسوب می‌شود) را نشان می‌دهد و حاکی از موفقیت این کشور در تنوع‌بخشی به پایه تولیدی و توسعه صنایع با ارزش افزوده متوسط است. با این وجود، کاهش ۱.۹ درصدی در صنایع «وسایل نقلیه موتوری»، که از بخش‌های کلیدی اقتصاد ترکیه محسوب می‌شود؛ چالش‌های این کشور در حفظ رقابت‌پذیری در بخش‌های با فناوری پیشرفته‌تر را نشان می‌دهد. این کاهش در حالی رخ داده که رقبای منطقه‌ای مانند روسیه در همین بخش رشد مثبت ۸.۲ درصدی را تجربه کرده‌اند.

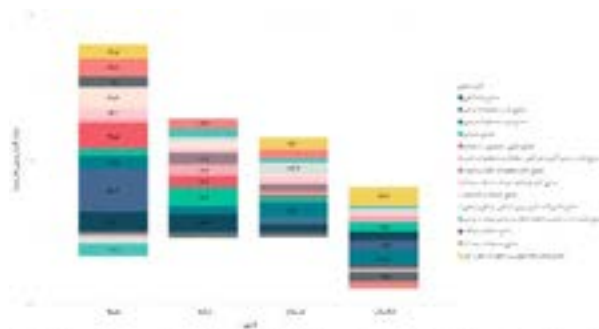
روسیه: رشد گسترده با محوریت منابع طبیعی

روسیه الگویی از رشد گسترده و مبتنی بر منابع طبیعی را نمایش می‌دهد. رشد ۲۷.۵ درصدی در صنایع «غذایی، آشامیدنی و دخانیات»، همراه با رشدهای قابل توجه ۱۴.۶ درصدی در صنایع «فلزات اساسی» و ۱۱.۹ درصدی در صنایع «چوب و محصولات چوبی»، تصویری از اقتصاد مبتنی بر منابع را ترسیم می‌کند. این کشور همچنین با رشد ۱۰.۳ درصدی در صنایع «شیمیایی» و ۸.۲ درصدی در صنایع «وسایل نقلیه موتوری»، نشان می‌دهد که در حال توسعه همه‌جانبه پایگاه صنعتی خود است، اگرچه این توسعه هنوز بر محور منابع طبیعی و مواد اولیه متمرکز است. نکته قابل توجه، رشد ۵.۴ درصدی در صنایع «کامپیوتر و تجهیزات جانبی»، نشان‌دهنده تلاش این کشور برای کاهش وابستگی فناورانه باشد.

عربستان سعودی: توسعه هدفمند زنجیره ارزش نفت

این کشور به‌صورت هدفمند بر توسعه زنجیره ارزش نفت و گاز تمرکز کرده است. رشد ۷.۷ درصدی در صنایع «شیمیایی» و ۵.۸ درصدی در صنایع «پالایشگاهی»، استراتژی این کشور برای حرکت به سمت محصولات با ارزش افزوده بالاتر در حوزه پایین‌دستی نفت را نشان می‌دهد. این موضوع حاکی از آن است که عربستان در

شده است. به عبارت دیگر، ترکیه در این بخش‌ها از جایگاه وابستگی به واردات به جایگاه صادرکننده ارتقا یافته است.



نمودار ۹- مشارکت کشورهای در زنجیره‌های ارزش جهانی پسینی (درصد تغییرات)

منبع: محاسبات محقق بر اساس داده‌های پایگاه اطلاعاتی بانک توسعه اسلامی و بانک جهانی

روسیه: قطب مصرفی با شکاف فناورانه

روسیه به عنوان قطب مصرفی و تولید در منطقه ظاهر می‌شود که با دارا بودن بالاترین نرخ مشارکت پسینی در صنایع چرم (۵۹٫۶ درصد)، صنایع غذایی (۳۵٫۵ درصد) و لاستیک و پلاستیک (۲۸٫۹ درصد)، وابستگی شدیدی به واردات مواد اولیه و نیمه‌ساخته از سایر کشورها دارد؛ که نشان‌دهنده قدرت خرید و ظرفیت تولیدی بالا در بازار داخلی روسیه و شکاف فناورانه این کشور در بخش‌های کلیدی است. درصد تغییرات منفی در ماشین‌آلات صنعتی (۱۸٫۱- درصد) و تجهیزات پیشرفته (۱۰٫۷- درصد) نشان می‌دهد که روسیه به جای واردات، توانسته تا حدی نیازهای خود را از طریق تولید داخلی تأمین کند، اما همچنان در صنایع پیشرفته وابسته به واردات است.

ترکیه: اقتصاد تبدیل محور موفق

ترکیه نقش یک اقتصاد تبدیل محور را ایفا می‌کند که با واردات گسترده مواد اولیه اساسی، آنها را به کالاهای نهایی با ارزش افزوده بالا تبدیل می‌کند.

موفقیت استراتژی توسعه صنعتی ترکیه در بخش‌های مبلمان و چرم مشاهده می‌شود. این ارقام منفی نشان می‌دهد که ترکیه نه تنها نیازهای داخلی را تأمین می‌کند، بلکه به صادرکننده محصولات نهایی در این حوزه‌ها تبدیل

عربستان سعودی: اقتصاد در حال گذار با وابستگی فناورانه
الگوی مشارکت عربستان سعودی نشان می‌دهد که این کشور اگرچه در حال حرکت به سمت تنوع بخشی اقتصادی است، اما هنوز برای توسعه بخش‌های غیرنفتی به واردات فناوری و کالاهای سرمایه‌ای از شرکای منطقه‌ای وابسته است. رشد مشارکت در صنایع چوب (۲۴٫۱ درصد)، ماشین‌آلات پیشرفته (۱۷٫۳ درصد) و صنایع خودرو (۱۶٫۱ درصد) نشان می‌دهد که استراتژی تنوع بخشی عربستان در کوتاه مدت با افزایش وابستگی به واردات همراه بوده است. با این حال، در صنایع «سایر تجهیزات حمل و نقل» با کاهش ۵٫۴ درصدی مشارکت پسینی مواجه است که نشان‌دهنده موفقیت نسبی در بومی سازی این بخش باشد.

قزاقستان: تأمین کننده مواد خام با وابستگی به کالاهای مصرفی
قزاقستان موقعیتی کاملاً متفاوت دارد که ترکیبی از وابستگی مثبت و منفی را نشان می‌دهد. وابستگی شدید مثبت (واردات محور) در صنایع خودرو (۲۶٫۲ درصد) صنایع شیمیایی (۱۳٫۲ درصد) و وابستگی منفی (صادرات محور) در صنایع چوب (۲۳٫۹- درصد)، صنایع مبلمان (۱۴٫۸- درصد) و صنایع چرم (۱۳٫۶- درصد) مشاهده می‌شود. این الگو نشان می‌دهد که قزاقستان نقش یک تأمین کننده مواد خام را ایفا می‌کند و برای تأمین کالاهای مصرفی و صنعتی پیچیده (خودرو و محصولات شیمیایی) به واردات از همسایگان خود متکی است. در مقابل، در صنایع مبتنی بر منابع طبیعی (چوب، چرم و مبلمان) توانسته به خوداتکایی نسبی دست یابد.

تحلیل هم‌زمان دو بعد مشارکت، روابط اقتصادی پیچیده و درهم تنیده‌ای را در منطقه ترسیم می‌کند که در آن، روسیه به عنوان قطب مصرف، وابستگی شدیدی به

۲. الگوی روسیه: هشدار وابستگی فناورانه

در مقابل، الگوی روسیه با وجود دارا بودن پایگاه صنعتی گسترده، هشداردهنده وابستگی بیش از حد به واردات مواد اولیه و قطعات، به ویژه در بخش‌های با فناوری پیشرفته است. روسیه علیرغم رشد بالای مشارکت پیشینی در صنایع منبع‌پایه، در مشارکت پسینی وابستگی شدیدی به واردات کالاهای مصرفی و قطعات پیشرفته دارد. این وضعیت، اقتصاد این کشور را در برابر تحریم‌ها و اختلال در زنجیره تأمین آسیب‌پذیر کرده است.

۳. الگوی عربستان: گذار تدریجی

عربستان سعودی با تمرکز بر توسعه پایین‌دستی نفت و گاز، مسیر گذار تدریجی از صادرات مواد خام به تولید محصولات با ارزش افزوده بالاتر را دنبال می‌کند. با این حال، وابستگی فناورانه این کشور در صنایع غیرنفتی، نشان‌دهنده چالش‌های این مسیر است.

۴. الگوی قزاقستان: هشدار تک‌محصولی

قزاقستان که پایین‌ترین سطح مشارکت را دارد، نمونه‌ای از اقتصاد تک‌محصولی است که نتوانسته از منابع طبیعی خود برای توسعه پایه صنعتی متنوع بهره‌برداری کند. وابستگی شدید به صادرات مواد خام و ضعف در صنایع تبدیلی، این کشور را در برابر نوسانات قیمت جهانی کالاها آسیب‌پذیر ساخته است.

از برآورد این الگوها پیامدهای سیاستی زیر برای ایران قابل تصور است:

نخست، گذار از اقتصاد متکی بر صادرات مواد خام به اقتصادی مبتنی بر تولید و صادرات کالاهای نهایی با ارزش افزوده بالاست. این گذار مستلزم بازنگری در سیاست‌های صنعتی و تجاری، به گونه‌ای است که به جای حمایت از تولید داخلی در محیطی بسته، صنایع را برای رقابت و همکاری در شبکه تولید جهانی آماده کند.

واردات کالاهای مصرفی دارد و هم‌زمان تأمین‌کننده اصلی مواد اولیه برای صنایع منطقه است. ترکیه به‌عنوان مرکز تبدیل، مواد اولیه را از منطقه وارد و به کالاهای نهایی با ارزش افزوده بالا تبدیل می‌کند. عربستان به‌عنوان اقتصاد در حال گذار، تلاش می‌کند با توسعه پایین‌دستی نفت، از صادرکننده صرف مواد خام به تولیدکننده محصولات پتروشیمی تبدیل شود. قزاقستان به‌عنوان تأمین‌کننده مواد خام، هنوز در پایین‌ترین سطح زنجیره ارزش باقی مانده و برای تأمین کالاهای پیچیده به واردات وابسته است.

این تقسیم‌کار منطقه‌ای هم‌زمان هم فرصت‌ها و هم آسیب‌پذیری‌هایی را برای هر یک از کشورها ایجاد می‌کند. برای مثال، وابستگی شدید روسیه به واردات کالاهای مصرفی، فرصتی صادراتی برای ترکیه فراهم کرده، اما در عین حال روسیه را در برابر تحریم‌ها و اختلال در زنجیره تأمین آسیب‌پذیر ساخته است.

۴-۵. درس‌های راهبردی برای ایران

تحلیل الگوهای مشارکت چهار کشور مورد بررسی در زنجیره‌های ارزش جهانی، درس‌های راهبردی برای ایران به همراه دارد:

۱. الگوی ترکیه: مسیر تبدیل محوری

تجربه موفق ترکیه نشان می‌دهد که یک کشور می‌تواند حتی بدون برخورداری از منابع طبیعی گسترده، با اجرای استراتژی هوشمند صنعتی و مشارکت هدفمند در زنجیره‌های ارزش جهانی، به جایگاهی اثرگذار در تولید منطقه‌ای دست یابد. کلید این موفقیت، حرکت به سمت اقتصاد تبدیلی و تمرکز بر تولید کالاهای نهایی با ارزش افزوده بالا بوده است. ترکیه با واردات مواد اولیه از منطقه و تبدیل آنها به کالاهای نهایی (پوشاک، خودرو، لوازم خانگی)، توانسته سهم بالایی از ارزش افزوده را به خود اختصاص دهد.

دوم، توسعه هدفمند زنجیره ارزش در بخش های دارای مزیت مانند پتروشیمی، صنایع معدنی و کشاورزی، همراه با کاهش وابستگی به واردات در بخش های کلیدی از طریق تقویت پایه تولید داخلی و توسعه پیوندهای پسینی.

سوم، ایجاد محیطی جذاب برای سرمایه گذاری، توسعه زیرساخت های لجستیکی و دیجیتالی کارآمد، و ارتقای کیفیت نیروی انسانی از طریق سرمایه گذاری در آموزش و مهارت آموزی.

در نهایت، برای ایران، حرکت به سمت اقتصادی دانش بنیان و متنوع که بتواند جایگاهی فراتر از یک تأمین کننده مواد خام در تقسیم کار جهانی به دست آورد، نه یک انتخاب، بلکه یک ضرورت استراتژیک برای دستیابی به توسعه پایدار و کاهش آسیب پذیری در برابر نوسانات بازارهای جهانی محسوب می شود.

۶. نتیجه گیری و توصیه های سیاستی

۶-۱. جمع بندی یافته ها

این مقاله با هدف تحلیل تطبیقی، رابطه میان مشارکت در زنجیره های ارزش جهانی و ارتقای صنعتی در چهار کشور همجوار ایران (روسیه، ترکیه، عربستان سعودی و قزاقستان) طی دوره ۲۰۲۳-۲۰۱۳ مورد بررسی قرار داد. یافته های پژوهش در سه سطح شاخص کل مشارکت، ساختار ارزش افزوده صنعتی، و الگوهای مشارکت پیشینی و پسینی عبارتند از:

یافته های شاخص کل مشارکت

نتایج نشان داد که کشورهای مورد مطالعه در دو گروه متفاوت جای می گیرند. ترکیه با شاخص ۰.۸۹ در گروه مشارکت بسیار بالا قرار دارد و به عنوان پیشتاز منطقه ظاهر شده است. این موفقیت مرهون استراتژی هوشمند صنعتی، تنوع بخشی تولیدی و تمرکز بر توسعه صنایع با ارزش افزوده بالا (پوشاک، خودرو، لوازم خانگی) می باشد. روسیه با شاخص ۰.۶۸ اگرچه در همین گروه جای می گیرد، اما وابستگی شدید به

منابع طبیعی و تمرکز بر صنایع منبع پایه، ظرفیت این کشور را برای ارتقا در زنجیره ارزش جهانی محدود کرده است.

در گروه مشارکت متوسط، ایران با شاخص ۰.۵۲ عملکرد بهتری نسبت به عربستان سعودی (۰.۴۹) و قزاقستان (۰.۴۸) داشته است. این برتری نسبی نشان دهنده تأثیر مثبت تنوع پذیری در پایه تولیدی ایران و توسعه بخش های صنعتی غیرنفتی است. با این حال، فاصله قابل توجه ایران با ترکیه حاکی از آن است که علی رغم برخورداری از منابع طبیعی غنی، این کشور نتوانسته به صورت بهینه از این مزیت برای مشارکت بیشتر در زنجیره های ارزش جهانی بهره برداری کند.

یافته های ساختار ارزش افزوده صنعتی

تحلیل ساختار درونی اقتصاد صنعتی کشورها، الگوهای متمایزی را نشان می دهد. روسیه با میانگین ارزش افزوده ۶۷۶۳ میلیون دلار به عنوان قدرت برتر صنعتی منطقه، ساختاری دوگانه دارد: صنایع منبع پایه (آهن و فولاد با ۳۶ هزار میلیون دلار) در کنار صنایع مصرفی مبتنی بر بازار داخلی (غذایی، داروسازی). ترکیه با میانگین ارزش افزوده ۷۹۰ میلیون دلار، بدون برخورداری از درآمدهای نفتی، توانسته به ۷۵ درصد ارزش افزوده صنعتی ایران دست یابد. موفقیت ترکیه ناشی از بهره برداری از مزیت جغرافیایی برای دسترسی به بازار اروپا، تمرکز بر ارتقای زنجیره ارزش از طریق طراحی و نوآوری و توسعه خوشه های صنعتی در صنایع پوشاک، خودرو و لوازم خانگی است. عربستان سعودی با میانگین ارزش افزوده صنعتی ۱۲۰۵ میلیون دلار، ساختاری متمرکز بر صنایع پایین دستی نفت (فرآورده های نفتی با ۱۷.۲ میلیارد دلار و پتروشیمی با ۱۱.۲ میلیارد دلار) دارد و صنایع با فناوری پیشرفته در این کشور سهم ناچیزی دارند. قزاقستان با ۱۵۱ میلیون دلار، پایین ترین سطح ارزش افزوده را دارد و ساختار آن بر استخراج فلزات گرانبها (۳۵۳۵ میلیون دلار) و فرآوری اولیه متمرکز است. صنایع با فناوری پیشرفته در این کشور

نزدیک به صفر است. ایران با میانگین ارزش افزوده صنعتی ۱۰۴۲ میلیون دلار، ساختاری دوگانه دارد: از یک سو صنایع منبع پایه (فولاد ۲۰.۹ میلیارد دلار، پتروشیمی ۱۳.۸ میلیارد دلار) و از سوی دیگر حضور قابل توجه صنایع خودروسازی (۴.۲ میلیارد دلار) و لوازم خانگی (۱.۶ میلیارد دلار). نقطه ضعف اصلی، شکاف عمیق در صنایع با فناوری پیشرفته (قطعات الکترونیکی با ۵۲ میلیون دلار) است.

یافته‌های الگوهای مشارکت پیشینی و پسینی

تحلیل هم‌زمان دو بعد مشارکت (پسینی و پیشینی)، نقش‌های متمایز کشورها را در تقسیم‌کار منطقه‌ای آشکار می‌سازد. روسیه به‌عنوان قطب مصرف و تأمین‌کننده منابع ظاهر می‌شود. مشارکت پیشینی این کشور در صنایع منبع پایه متمرکز است، در حالی که مشارکت پسینی بالا (۵۹.۶ درصد در صنایع چرم، ۳۵.۵ درصد در صنایع غذایی) نشان‌دهنده وابستگی شدید به واردات کالاهای مصرفی است. ترکیه نقش یک اقتصاد تبدیل‌محور را ایفا می‌کند که با واردات گسترده مواد اولیه (شیمیایی ۲۵.۳ درصد و پالایشگاهی ۲۴.۹ درصد) آنها را به کالاهای نهایی با ارزش افزوده بالا تبدیل می‌کند. خوداتکایی نسبی در صنایع میلمان (رشد ۵.۳- درصد) و چرم (رشد ۲.۵- درصد) نشان‌دهنده موفقیت این استراتژی است. عربستان سعودی به‌عنوان اقتصاد در حال گذار، با توسعه پایین‌دستی نفت (رشد ۷.۷ درصدی در صنایع شیمیایی) سعی در تنوع‌بخشی دارد، اما همچنان برای توسعه صنایع غیرنفتی به واردات فناوری وابسته است. قزاقستان نقش تأمین‌کننده مواد خام را ایفا می‌کند. در عین حال که مشارکت پیشینی آن محدود است، مشارکت پسینی بالا در صنایع خودرو (رشد ۲۶.۲ درصد) و شیمیایی (رشد ۱۳.۲ درصد) نشان‌دهنده وابستگی به واردات کالاهای پیچیده است.

۲-۶. مقایسه با یافته‌های سایر مطالعات

یافته‌های این پژوهش، نتایج مطالعات پیشین را تأیید می‌کند. مطالعه جیانگ و همکاران (۲۰۲۶)، در شرق آسیا نشان داد که اقتصادهای تبدیل‌محور مانند کره جنوبی با الگوی مشابه ترکیه، توانسته‌اند با واردات مواد اولیه و تبدیل آنها به کالاهای نهایی، جایگاه خود در زنجیره ارزش را ارتقا دهند. همچنین مطالعه اونیلی و همکاران (۲۰۲۴)، در آفریقا نشان داد که کشورهای منبع‌محور مانند قزاقستان و عربستان، علیرغم درآمد‌های نفتی، در ارتقای صنعتی با چالش مواجه هستند. یافته‌های مربوط به ایران نیز با نتایج مطالعه فرتوک‌زاده (۱۴۰۳)، یعقوبی (۱۴۰۲) و نجارزاده و همکاران (۱۳۹۹)، مبنی بر حرکت ایران به سمت زنجیره‌های بالادست و تمرکز بر صنایع منبع پایه همسو است.

۳-۶. توصیه‌های سیاستی

بر اساس تحلیل تطبیقی انجام‌شده و درس‌های مستخرج از تجربه کشورهای موفق منطقه، گذار ایران از اقتصاد منابع‌محور به اقتصاد دانش‌بنیان و مشارکت موفق زیر زنجیره‌های ارزش جهانی، پیشنهاد می‌شود اصلاحات زیر انجام گیرد:

تغییر پارادایم توسعه صنعتی

گذار از جایگزینی واردات به توسعه صادرات هدفمند: تداوم سیاست‌های درون‌گرا و تمرکز بر بازار داخلی، صنایع را غیررقابتی نگاه می‌دارد. ایران باید سیاست توسعه صادرات با محوریت مشارکت در زنجیره ارزش جهانی را در پیش گیرد. برای مثال، به‌جای حمایت از تولید تمام قطعات خودرو در داخل، بر تخصص‌یافتن در تولید چند قطعه خاص با کیفیت جهانی و صادرات آنها متمرکز شود. هدف‌گذاری برای ارتقا در منحنی لب‌خند ارزش: استراتژی جدید باید خروج از دام فعالیت‌های با ارزش افزوده پایین در بخش‌های بالادستی (صادرات مواد خام

و نیمه‌ساخته) و حرکت هدفمند به سمت فعالیت‌های با ارزش افزوده بالاتر در بخش‌های میانی (تولید قطعات پیچیده) و پایین دستی (طراحی، بازاریابی و خدمات پس از فروش) را دنبال کند.

توسعه زنجیره ارزش در بخش‌های دارای مزیت

ایجاد کنسرسیوم‌های صادراتی در صنعت پتروشیمی و فولاد: به جای صادرات مواد خام، شرکت‌ها موظف شوند درصد فزاینده‌ای از محصول خود را به محصولات نهایی با ارزش افزوده بالاتر (پلیمرهای مهندسی، مقاطع فولادی پیشرفته) تبدیل و از طریق کنسرسیوم‌های مشترک برای صادرات آنها اقدام کنند.

توسعه پایین دستی صنایع نفت، گاز و پتروشیمی: تمرکز بر محصولات با ارزش افزوده بالا نظیر کاتالیست‌ها، مواد شیمیایی خاص و پلیمرهای مهندسی که ایران به دلیل دسترسی به خوراک ارزان، مزیت نسبی در آنها دارد.

تقویت صنایع تبدیلی کشاورزی: توسعه صادرات محصولات با برند ایرانی در حوزه‌هایی مانند زعفران، پسته، خرما و محصولات باغی، با تمرکز بر فرآوری و بسته‌بندی پیشرفته.

بهبود محیط کسب و کار و حکمرانی صنعتی

ایجاد ثبات و شفافیت در سیاست‌های اقتصادی: مهم‌ترین پیش شرط ارتقای صنعتی، ایجاد یک محیط باثبات، شفاف و قابل پیش‌بینی برای تولید و سرمایه‌گذاری است. این امر نیازمند ایجاد هماهنگی در بین بازیگران اصلی اقتصادی و کشور (دولت، بخش خصوصی، نهادهای قانون‌گذار) و حذف بوروکراسی‌های دست‌وپاگیر اداری است.

معافیت مالیاتی هوشمند: ارائه معافیت مالیاتی به بنگاه‌ها، نه صرفاً بر اساس تعداد تولید داخلی، بلکه بر اساس ارزش افزوده ایجاد شده و میزان صادرات قطعات و پلتفرم‌ها به بازارهای منطقه‌ای.

توسعه پیوندهای عمیق با بازیگران جهانی: ایران باید به طور فعالانه به دنبال ایجاد ارتباط با شرکت‌های چندملیتی و بنگاه‌های پیشرو در هر صنعت باشد. مدیریت این روابط با هدف انتقال فناوری و دانش مدیریتی و نه صرفاً فروش منابع، کلید ارتقای صنعتی خواهد بود.

توسعه زیرساخت‌ها و فناوری

تأسیس صندوق پژوهش و توسعه زنجیره ارزش: اختصاص بخشی از درآمدهای حاصل از صادرات نفت و گاز به صندوقی ویژه برای تأمین مالی پروژه‌های تحقیق و توسعه مشترک بین دانشگاه و صنعت در زمینه‌های اولویت‌دار (مانند طراحی پلتفرم خودروی الکترونیکی یا توسعه کاتالیست‌های پیشرفته پتروشیمی).

توسعه زیرساخت‌های نرم‌افزاری لجستیک: سرمایه‌گذاری در سامانه‌های گمرکی هوشمند و پنجره‌های واحد تجاری فرامرزی برای کاهش زمان و هزینه ترخیص کالاهای واسطه‌ای، که شرط لازم برای پیوستن به زنجیره‌های تأمین است.

توسعه پلتفرم‌های فناوری و مراکز تحقیق و توسعه: تقویت ارتباط بین دانشگاه، صنعت و بازار از طریق ایجاد پارک‌های علم و فناوری تخصصی در حوزه‌های دارای مزیت.

توسعه منابع انسانی و نوآوری

سرمایه‌گذاری در آموزش تخصصی و مهارت تیروی کار: تطبیق برنامه‌های آموزشی دانشگاه‌ها با نیازهای صنایع دارای اولویت در زنجیره ارزش جهانی.

توسعه اکوسیستم نوآوری و کارآفرینی: ایجاد شتاب‌دهنده‌ها و صندوق‌های سرمایه‌گذاری خطرپذیر تخصصی در حوزه‌های صنعتی اولویت‌دار.

جذب و حفظ استعدادها: طراحی برنامه‌های بازگشت نخبگان و متخصصان ایرانی مقیم خارج در حوزه‌های فناوری‌های پیشرفته صنعتی.

تقویت همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی

توسعه دیپلماسی اقتصادی و تجاری: فعال‌سازی ظرفیت‌های دیپلماتیک برای تسهیل تجارت و سرمایه‌گذاری با کشورهای همسایه و منطقه.

عضویت در پیمان‌های تجاری منطقه‌ای و لازم‌الاجرائی بودن آن‌ها: پیگیری فعالانه برای عضویت در موافقتنامه‌های تجاری منطقه‌ای مانند اکو، شانگهای و اوراسیا برای دسترسی ترجیحی به بازارهای بزرگ.

جذب سرمایه‌گذاری خارجی هدفمند: طراحی بسته‌های تشویقی برای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در صنایع دارای اولویت با شرط انتقال فناوری و ایجاد پیوندهای پسینی و پیشینی با اقتصاد داخلی.

دسترسی به داده‌ها

در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر در خصوص نحوه تجزیه و تحلیل داده‌ها در این مقاله، با نویسنده مسئول مکاتبه فرمایید.

تعارض منافع

نویسنده اعلام می‌کند که هیچ تضاد منافی در مورد انتشار تحقیق ثبت شده وجود ندارد. علاوه بر این، موارد اخلاقی از جمله سرقت ادبی، رضایت آگاهانه، رفتار نادرست، جعل و/یا جعل داده‌ها، انتشار مضاعف و یا سوء رفتار به طور کامل توسط نویسندگان رعایت شده است.

منابع

رضائی، مهدی و یعقوبی منظری، پریرسا (۱۳۹۵). وضعیت تجارت کالایی ایران و ترکیه از منظر زنجیره ارزش جهانی، *بررسی‌های بازرگانی* ۱۴ (۸۱)، ۳۱-۴۲.
فرتوک زاده، حمیدرضا و دره شیری، محمدرضا (۱۴۰۳). ارتقاء قابلیت حکمرانی صنعتی با گونه‌شناسی صنایع ایران در چارچوب ابتکار ایلاف. *بهبود مدیریت*، ۱۸ (۲)، ۱۶۰-۱۳۲.
doi: 10.22034/jmi.2024.473899.3126

نجارزاده، رضا؛ درگاهی، حسن؛ عاقلی، لطفعلی، بیابانی خامنه، کاظم (۱۳۹۹)؛ «اندازه‌گیری شاخص‌های وضعیت اقتصاد ایران در

زنجیره‌های جهانی ارزش و مقایسه با کشورهای منتخب»؛ *پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*؛ سال ۲۷؛ تابستان ۱۳۹۹ شماره ۹۴.

یعقوبی منظری، پریرسا (۱۴۰۱)، رساله دکتری با عنوان ارزیابی تاثیر پیچیدگی محصولات روی مشارکت ایران در زنجیره‌های ارزش جهانی و مقایسه آن با کشورهای اسلامی منتخب، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
یعقوبی منظری، پریرسا؛ خسروی نژاد، علی‌اکبر؛ امینی، علیرضا و قاضی‌نوری، سپهر (۱۴۰۲). شاخص مشارکت در زنجیره‌های ارزش جهانی ایران و کشورهای عضو شورای همکاری اسلامی. *بررسی‌های بازرگانی*، ۲۱ (۱۲۱)، ۱-۲۰.

یعقوبی منظری، پریرسا؛ خسروی نژاد، علی‌اکبر؛ امینی، علیرضا و قاضی‌نوری، سپهر (۱۴۰۲). اثر سیاست صنعتی بر مشارکت در زنجیره‌های ارزش جهانی: سیاست‌های علم، فناوری و نوآوری در پیچیدگی محصولات. *اقتصاد و تجارت نوین*، ۱۸ (۵۹)، ۱۳۳-۱۶۷.
یعقوبی منظری، پریرسا؛ خسروی نژاد، علی‌اکبر؛ امینی، علیرضا و قاضی‌نوری، سپهر (۱۴۰۱). پیچیدگی محصول و مشارکت در زنجیره ارزش جهانی مطالعه موردی: ایران و کشورهای سازمان همکاری اسلامی. *پژوهشنامه بازرگانی*، ۲۶ (۱۰۴)، ۱-۴۶.

<http://doi.org/20.1001.1.26767562.1395.14.81.3.0>

ابلاغیه مقام معظم رهبری. (۱۳۹۲). سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی. تهران: دفتر مقام معظم رهبری.

سازمان برنامه و بودجه کشور. (۱۴۰۱). قانون برنامه پنج‌ساله هفتم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۶-۱۴۰۲). تهران: سازمان برنامه و بودجه.

Fartokzadeh, H. R. and Darrehshiri, M. R. (2024). Improving the capability of industrial governance by typology of Iran's industries in the framework of the Ilaf initiative. *Journal of Improvement Management*, 18(2), 132-160. doi: 10.22034/jmi.2024.473899.3126 [In Persian]

Gereffi, G. (1999). International trade and industrial upgrading in the apparel commodity chain. *Journal of International Economics*, 48(1), 37-70.

Gereffi, G., Humphrey, J., & Sturgeon, T. (2005). The governance of global value chains. *Review of International Political Economy*, 12(1), 78-104.

Heckscher, E. F., & Ohlin, B. (1991). Heckscher-Ohlin Trade Theory. (H. Flam & M. J. Flanders, Trans. & Eds.). Cambridge, MA: MIT Press.

Humphrey, J., & Schmitz, H. (2002). How does insertion in global value chains affect upgrading in industrial clusters?. *Regional Studies*, 36(9), 1017-1027.

Meng, B., Ye, M., & Wei, S. J. (2020). Measuring smile curves in global value chains. *Oxford Bulletin of*

- participation in global value chains and comparing it with selected Islamic countries, Islamic Azad University, Central Tehran Branch. [In Persian]
- Yaghoubi Manzari,P. , Khosravinejad,A. , amini,A. and Ghazi noori,S. S. (2023). The effect of industrial policy on participation in global value chains: science, technology and innovation policies in product complexity. *new economy and trad*, 18(59), 133-167. doi: 10.30465/jnet.2023.44723.2011 [In Persian]
- Yaghoubi Manzari,P. , Khosravinejad,A. , Amini,A. and Ghazinori,S. (2022). Product Complexity and Participation in Global Value Chain: The Case of Iran and OIC Member Countries. *Iranian Journal of Trade Studies*, 26(104), 1-46. doi: 10.22034/ijts.2022.549208.3606 [In Persian]
- Yaghoubi Manzari,P., Khosravinejad,A. A., amin,A. and Ghazinoory,S. (2023). Index of Participation in Global Calue Chains of Iran and Member Countries of the Organization of Islamic Cooperation. *Commercial Surveys*, 21(121), 1-20. doi: 10.22034/bs.2022.1971821.2668 [In Persian]
- Government of Russia (2023). Russian manufacturing strategy through 2035 assumes average annual growth of 4%, limited recovery growth, <https://interfax.com/>
- N.Nazarbayev (2014), ‘‘Kazakhstan Way - 2050: Common aim, Common interests, Common future’’; [https://www.jp-kz.org/embassy/data/kyoshoenzetsu 2014.pdf](https://www.jp-kz.org/embassy/data/kyoshoenzetsu%2014.pdf)
- Kara, Harun (2025); Turkey’s 2030 Industry And Technology Strategy (2025), <https://www.setav.org/en/turkeys-2030-industry-and-technology-strategy>
- Saudi Arabia Ministry of Industry and Mineral Resources (2025), Strategies National Industrial Strategy, https://www.vision2030.gov.sa/media/t0uiiudv/nsd_en.pdf
- Office of the Supreme Leader of Iran. (2013). General Policies of the Resistance Economy. Tehran: Office of the Supreme Leader.
- Plan and Budget Organization of Iran. (2022). ‘‘The Seventh Five-Year National Development Plan of the Islamic Republic of Iran (2023-2027)’’. Tehran: Plan and Budget Organization.
- World Bank. (2023). World Development Indicators 2023. Washington, DC: The World Bank.
- Economics and Statistics, 82(5), 1285-1309.
- Shih, S. (1996). *Me-Too is Not My Style: Challenge Difficulties, Breakthrough Bottlenecks, Create Values*. Taipei: The Acer Foundation.
- <https://stat.unido.org/>
- <https://www.adb.org/>
- Jiang, M., Kim, E. & Liu, H (2026). Global value chain participation: a sub-national analysis of regional backward and forward linkages in China, Japan, and South Korea. *Int Economy Policy* 23, 6 (2026). <https://doi.org/10.1007/s10368-025-00700-9>
- Josephine Wuri, Tri Widodo, Amirullah Setya Hardi, (2023). Speed of convergence in global value chains: Forward or backward linkage, *Heliyon*, Volume 9, Issue 7
- M. Bah, H.A. Ondoa, K.D. Kpognon, (2021) ‘‘Effects of Governance Quality on Exports in Sub-Saharan Africa,’’ *International Economics*, Vol.167, pp.1-14, 2021.
- M. Surugiu, C. Surugiu, (2015) ‘‘International Trade, Globalization and Economic Interdependence between European Countries: Implications for Businesses and Marketing Framework,’’ *Procedia Economics and Finance*, Vol.32, pp.131 - 138, 2015.
- M. Were, (2015) ‘‘Differential Effects of Trade on Economic Growth and Investment: A Cross-Country Impirical investigation,’’ *Journal of African Trade*, Vol.2, pp.71-85, 2015.
- Martins, Joaquim;Colin Webb,Guilhoto; Yamano,Norihiko.(2022).Guide to OECD TiVA Indicators, 2021 edition, OECD Science, Technology and Industry Working Papers, 2022/02
- Najarzadeh R, Dargahi H, Agheli L, Biabany Khameneh K. Measuring Iran’s Economy Status Indicators in Global Value Chains and Comparison with Selected Countries. *qjerp* 2020; 28 (94) :101-129 URL: <http://qjerp.ir/article-1-2651-fa.html> [In Persian]
- Onyele, Kingsley & Onyekachi-Onyele, Charity & Ikwuagwu, Eberechi. (2024). Maximizing Industrial Value Added in Sub-Saharan Africa: The Role of Trade Globalisation and Government Regulation. *Public Management Review*. 12. 13-24.
- Rezaei,M. and Yaghobi Manzari,P. (2017). The Status of Commodity Trade between Iran and Turkey in the Global Value Chain Perspective. *Commercial Surveys*, 14(81),31-42. doi: 20.1001.1.26767562.1395.14.81.3.0 [In Persian]
- Yaghoubi Manzari, Parisa (2022), PhD thesis entitled: Assessing the impact of product complexity on Iran’s